



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

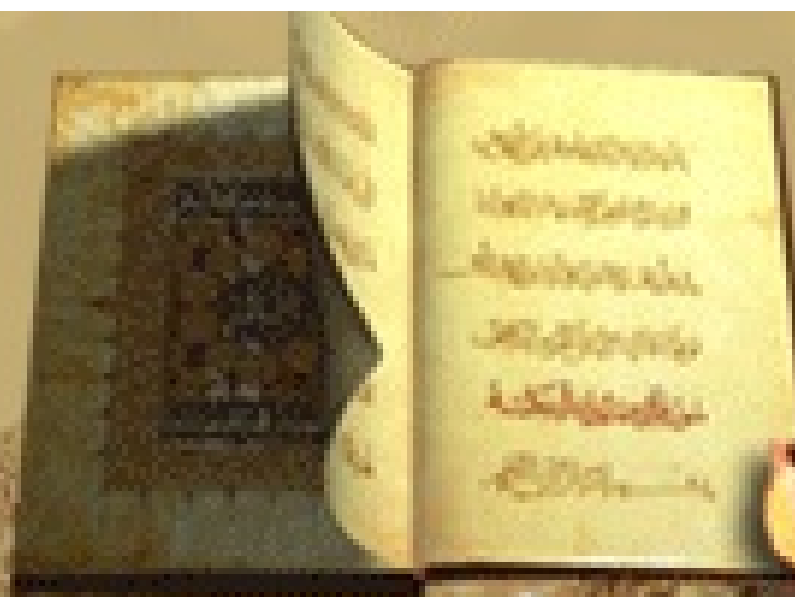
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



الانظار

قرآن مجید

به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر

به زبان های زنده دنیا

آشنایی . اعراب آیات . آوانگاری قرآن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن مجید - ۲۸ ترجمه - ۶ تفسیر

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	۸۲. سوره الانفطار
۷	مشخصات کتاب
۷	سوره الانفطار
۸	آشنایی با سوره
۸	اعراب آیات
۱۲	آوانگاری قرآن
۱۳	ترجمه سوره
۱۳	ترجمه فارسی استاد فولادوند
۱۵	ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی
۱۶	ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان
۱۷	ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای
۱۹	ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی
۲۱	ترجمه فارسی استاد مجتبیوی
۲۲	ترجمه فارسی استاد آیتی
۲۴	ترجمه فارسی استاد خرمشاهی
۲۶	ترجمه فارسی استاد معزی
۲۷	ترجمه انگلیسی قرائتی
۲۸	ترجمه انگلیسی شاکر
۳۰	ترجمه انگلیسی ایروینگ
۳۱	ترجمه انگلیسی آربری
۳۲	ترجمه انگلیسی پیکتال
۳۴	ترجمه انگلیسی یوسفعلی
۳۶	ترجمه فرانسوی

۳۷	ترجمه اسپانیایی
۳۸	ترجمه آلمانی
۴۰	ترجمه ایتالیایی
۴۱	ترجمه روسی
۴۲	ترجمه ترکی استانبولی
۴۳	ترجمه آذربایجانی
۴۵	ترجمه اردو
۴۷	ترجمه پشتو
۴۹	ترجمه کردی
۵۱	ترجمه اندونزی
۵۳	ترجمه مالزیایی
۵۵	ترجمه سواحیلی
۵۶	تفسیر سوره
۵۶	تفسیر المیزان
۷۴	تفسیر نمونه
۱۰۳	تفسیر مجمع البیان
۱۲۲	تفسیر اطیب البیان
۱۲۶	تفسیر نور
۱۲۹	تفسیر انگلیسی
۱۳۴	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸ عنوان و نام پدیدآور: قرآن مجید به همراه ۲۸ ترجمه و ۶ تفسیر/ مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: معارف قرآنی

سوره الانفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱)

وَ إِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (۲)

وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَ أَخَّرَتْ (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

كَأَلَّا بَلٌ تُكذَّبُونَ بِالذِّينِ (۹)

وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ (۱۰)

كِرَامًا كَاتِبِينَ (۱۱)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (۱۲)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)

وَإِنَّ الْفَجَارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴)

يَصْلُونَهَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۵)

وَ مَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (۱۶)

وَ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۷)

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۸)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

آشنایی با سوره

۸۲- انفطار [شکافته شدن]

این سوره هم، در مورد قیامت و سرانجام نیکان و بدان در بهشت و دوزخ می باشد و شکافته شدن آسمان، بمعنای در هم ریختن این نظام قائم، باز هم پیش در آمدی بر رستاخیز و از جمله شرائط متصل به قیامت است. و از ثبت و ضبط دقیق اعمال هر انسان مطالبی دارد که توسط دو فرشته انجام می گیرد. این سوره، با ۱۹ آیه، بعد از «نازعات در سال ۳ بعثت در مکه نازل شده است.

اعراب آیات

{بِسْمِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {اللَّهِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر / فعل مقدر یا محذوف / فاعل محذوف
{الرَّحْمَنِ} نعت تابع {الرَّحِيمِ} نعت تابع

{إِذَا} ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدر یا محذوف {السَّمَاءُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع
{انْفَطَرَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَإِذَا} (و) حرف عطف / ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدر یا محذوف {الْكَوَاكِبُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع
{انْتَشَرَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَإِذَا} (و) حرف عطف / ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب / فعل مقدر یا محذوف {الْبِحَارُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع
{فُجِّرَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تأنیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{وَإِذَا} (و) حرف عطف / ظرف یا مفعولٌ فیهِ، منصوب یا در محل نصب /

فعل مقدر یا محذوف {الْقُبُورُ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {بُعْثِرَتْ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / نائب فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{عَلِمْتُ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث {نَفْسٌ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {مَا} مفعول به، منصوب یا در محل نصب {قَدَّمْتُ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر {وَأَخَّرْتُ} (و) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ت) تانیث / فاعل، ضمیر مستتر (هی) در تقدیر

{يَا} {يا} حرف ندا {أَيُّهَا} منادا، منصوب یا در محل نصب / (ها) حرف تنبيه {الْإِنْسَانُ} نعت تابع {مَا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {عَزَّكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {بَرِّبِكَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / (ك) ضمیر متصل در محل جر، مضاف اليه {الْكَرِيمِ} نعت تابع

{الَّذِي} نعت تابع {خَلَقَكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {فَسَوَّاكَ} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {فَعَدَلَكَ} (ف) حرف عطف / فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعول

به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{فِي} حرف جر {أَيُّ} اسم مجرور یا در محل جر {صُورَه} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر {مَا} حرف زائد {شَاءَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر {رَزَّجَكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر

{كَلَّا} حرف ردع {بَلْ} حرف اضراب {تُكَاذِبُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {بِالَّذِينَ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور

{وَإِنَّ} (و) حالیه / حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {عَلَيْكُمْ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر إِنَّ محذوف {لِحَافِظِينَ} (ل) حرف ابتدا / اسمِ إِنَّ، منصوب یا در محل نصب

{كِرَامًا} نعت تابع {كَاتِبِينَ} نعت تابع

{يَعْلَمُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل {مَا} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {تَفْعَلُونَ} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون / (و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل

{إِنَّ} حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {الْأَبْرَارَ} اسمِ إِنَّ، منصوب یا در محل نصب {لَفِي} (ل) حرف مزحلقة / حرف جر {نَعِيمٍ} اسم مجرور یا در محل جر / خبر إِنَّ محذوف

{وَإِنَّ} (و) حرف عطف / حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {الْفُجَّارَ} اسمِ إِنَّ، منصوب یا در محل نصب {لَفِي} (ل) حرف مزحلقة / حرف جر {جَحِيمٍ} اسم مجرور یا در محل جر / خبر إِنَّ محذوف

{يَضِلُّونَهَا} فعل مضارع، مرفوع به ثبوت نون /

(و) ضمیر متصل در محل رفع و فاعل / (ه) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به {يَوْمٌ} ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب {الدِّينِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{وَمَا} (و) حرف عطف / حرف مشبه بالفعل یا حرف نفی ناسخ {هُمَّ} اسم ما، مرفوع یا در محل رفع {عَنْهَا} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {بِغَائِبِينَ} (ب) حرف جر زائد / خبر ما، منصوب یا در محل نصب

{وَمَا} (و) حرف استیناف / مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {أَذْرَاكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {مَا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {الدِّينِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{ثُمَّ} حرف عطف {مَا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {أَذْرَاكَ} فعل ماضی، مبنی بر فتحه ظاهری یا تقدیری / (ك) ضمیر متصل در محل نصب، مفعولٌ به / فاعل، ضمیر مستتر (هو) در تقدیر / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل {مَا} مبتدا، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمٌ} خبر، مرفوع یا در محل رفع {الدِّينِ} مضاف الیه، مجرور یا در محل جر

{يَوْمٌ} ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب {لَا} حرف نفی غیر عامل {تَمْلِكُ} فعل مضارع، مرفوع به ضمه ظاهری یا تقدیری {نَفْسٌ} فاعل، مرفوع یا در محل رفع {لِنَفْسٍ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور {شَيْئًا} مفعولٌ به، منصوب یا در محل نصب {وَالْأَمْرُ}

(و) حالیه / مبتدأ، مرفوع یا در محل رفع {يَوْمَئِذٍ} ظرف یا مفعولٌ فيه، منصوب یا در محل نصب / (إذ) مضاف إليه {لِلَّهِ} حرف جر و اسم بعد از آن مجرور / خبر در تقدیر یا محذوف یا در محل

آوانگاری قرآن

.Bismi Allahi alrrahmani alrraheemi

Itha alssamao infatarat.۱

Wa-itha alkawakibu intatharat.۲

Wa-itha albiharu fujjirat.۳

Wa-itha alqubooru buAAathirat.۴

AAalimat nafsun ma qaddamat waakhkharat.۵

Ya ayyuha al-insanu ma gharraka birabbika alkareemi.۶

Allathee khalaqaka fasawwaka faAAadalaka.۷

Fee ayyi sooratin ma shaa rakkabaka.۸

Kalla bal tukaththiboona bialddeeni.۹

Wa-inna AAalaykum lahafitheena.۱۰

Kiraman katibeena.۱۱

YaAAalamoona ma tafAAaloona.۱۲

Inna al-abrara lafee naAAeemin.۱۳

Wa-inna alfujjara lafee jaheemin.۱۴

Yaslawnaha yawma alddeeni.۱۵

Wama hum AAanha bigha-ibeena.۱۶

Wama adraka ma yawmu alddeeni.۱۷

Thumma ma adraka ma yawmu alddeeni.۱۸

Yawma la tamliku nafsun linafsin shay-an waal-amru yawma-ithin lillahi.۱۹

ترجمه سوره

ترجمه فارسی استاد فولادوند

به نام خداوند رحمتگر مهربان

آنگاه که آسمان زهم بشکافد، (۱)

و آنگاه که اختران پراکنده شوند، (۲)

و آنگاه که دریاها از جا برکنده گردند، (۳)

و آنگاه که گورها زیر و زبر شوند، (۴)

هر نفسی آنچه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته، بداند. (۵)

ای انسان، چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟ (۶)

همان کس که تو را آفرید، و [اندام تو را درست کرد، و] آنگاه تو را سامان بخشید. (۷)

و به هر صورتی که خواست، تو را ترکیب کرد. (۸)

با این همه، شما منکر [روز] جزایید. (۹)

و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده اند: (۱۰)]

[فرشتگان بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند؛ (۱۱)]

آنچه را می کنید، می دانند. (۱۲)

قطعاً نیکان به بهشت اندرند. (۱۳)

و بی شک، بدکاران در دوزخند. (۱۴)

روز جزا در آنجا در آیند، (۱۵)

و از آن [عذاب دور نخواهند بود. (۱۶)

و تو چه دانی که چیست روز جزا؟ (۱۷)

باز چه دانی که چیست روز جزا؟ (۱۸)

روزی که کسی

برای کسی هیچ اختیاری ندارد؛ و در آن روز، فرمان از آن خداست. (۱۹)

ترجمه فارسی آیت الله مکارم شیرازی

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر.

«۱» آن زمان که آسمان (= کرات آسمانی) از هم شکافته شود،

«۲» و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند،

«۳» و آن زمان که دریاها به هم پیوسته شود،

«۴» و آن زمان که قبرها زیر و رو گردد [و مردگان خارج شوند]،

«۵» [در آن زمان] هر کس می داند آنچه را از پیش فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است.

«۶» ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغرور ساخته است؟!

«۷» همان خدایی که تو را آفرید و سامان داد و منظم ساخت،

«۸» و در هر صورتی که خواست تو را ترکیب نمود.

«۹» [آری] آن گونه که شما می پندارید نیست؛ بلکه شما روز جزا را منکرید!

«۱۰» و بی شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده...

«۱۱» والا مقام و نویسنده [اعمال نیک و بد شما]،

«۱۲» که می دانند شما چه می کنید!

«۱۳» به یقین نیکان در نعمتی فراوانند.

«۱۴» و بدکاران در دوزخند،

«۱۵» روز جزا وارد آن می شوند و می سوزند،

«۱۶» و آنان هرگز از آن غایب و دور نیستند!

«۱۷» تو چه می دانی روز جزا چیست؟!

«۱۸» باز چه می دانی روز جزا چیست!؟

«۱۹» روزی است که هیچ کس قادر بر انجام کاری به سود دیگری نیست، و همه امور در آن روز از آن خداست!

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین انصاریان

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی.

هنگامی که آسمان بشکافد (۱)

و هنگامی که ستارگان پراکنده شوند (۲)

و هنگامی که دریاها شکافته شوند [و به هم پیوندند] (۳)

و هنگامی که قبرها زیر و رو شوند،

هر کسی آنچه را [از خیر و شر] پیش فرستاده و باز پس نهاده بداند. (۵)

ای انسان! چه چیزی تو را به پروردگار بزرگوارت مغرور کرده است؟ (۶)

همان کسی که تو را آفرید و اندامت را درست و نیکو ساخت و متعادل و متناسب قرار داد، (۷)

و تو را در هر نقش و صورتی که خواست ترکیب کرد. (۸)

این چنین نیست [که سبب ارتکاب گناهانتان مغرور بودنتان به بزرگواری پروردگار باشد]، بلکه روز جزا را تکذیب می کنید

[و با این تکذیب، راه گناه را به روی خود باز می نمایید،] (۹)

و بی تردید بر شما نگهبانانی گماشته اند (۱۰)

بزرگوارانی نویسنده (۱۱)

که آنچه را [از خیر و شر] انجام می دهید، می دانند [و ضبط می کنند.] (۱۲)

به یقین نیکان در نعمت فراوانی قرار دارند (۱۳)

و مسلماً گناهکاران در دوزخ اند (۱۴)

[که] روز پاداش در آن در آیند، (۱۵)

و آنان از دوزخ غایب نمی شوند (۱۶)

و تو چه می دانی روز جزا چیست؟ (۱۷)

باز چه می دانی روز جزا چیست؟ (۱۸)

روزی که کسی از کسی چیزی از عذاب را دفع نمی کند، و در آن روز، فرمان و حکم ویژه خداست. (۱۹)

ترجمه فارسی استاد الهی قمشه ای

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما، یاد کن روز قیامت را هنگامی که آسمان شکافته شود (۱)

و هنگامی که ستارگان آسمان فروریزند (۲)

و هنگامی که آب دریاها روان گردد تا به هم پیوسته همه یک دریا شود (۳)

و هنگامی که خلائق از قبرها برانگیخته شوند (۴)

آن هنگام است که هر شخصی به هر چه از عمل نیک و بد که در دنیا مقدم و موخر انجام داده

همه را بداند شاید مراد از مقدم عملی است که پیش از رفتن از دنیا برای آخرت بجای آورده و موخر آن اعمالی که پس از مرگ به او می رسد مانند باقیات الصالحات و اعمال خیری که وصیت کرده و وقف و صدقات جاری و فرزند صالح یا کتابعلمی و سنت حسنه (۵)

ای انسان غافل چه باعث شد که به خدای کریم بزرگوار خود مغرور گشتی؟ و نافرمانی او کردی؟ (۶)

آن خدائی که تو را از عدم به وجود آورد و به صورتی تمام و کامل بیاراست و به اعتدال اندام و تناسب قوا برگزید (۷)

و حال آن که به هر صورتی که خواستی جز این صورت زیبا هم خلق توانستی کرد (۸)

چنین نیست که شما کافران پنداشتید که معاد و قیامت نیست البته هست بلکه شما از جهل روز جزا را تکذیب می کنید (۹)

البته نگهبانها بر مراقبت احوال شما مامورند (۱۰)

که آنها نویسندگان اعمال شما و فرشته مقرب خدایند (۱۱)

شما هر چه کنید همه را میدانند (۱۲)

و روز جزا نیکوکاران عالم در بهشت پرنعمت متنعمند (۱۳)

و بدکاران در آتش دوزخ معذبنند (۱۴)

روز جزا به آن دوزخ درافتند و همیشه رنج و عذاب کشند (۱۵)

و هیچ از آن آتش دور نتوانند بود (۱۶)

و تو چگونه به روز با عظمت جزای بشر امروز کاملاً آگاه توانی شد؟ (۱۷)

باز هم عظمت آن روز جزا را چگونه توانی دانست؟ (۱۸)

آن روز هیچکس برای کسی قادر بر هیچکار نیست و تنها حکم و فرمان در آن روز باخدای یکتاست (۱۹)

ترجمه فارسی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

به نام خداوند

بخشنده ی مهربان.

آنگاه که آسمان شکافته شود. (۱)

و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند. (۲)

و آنگاه که دریاها گشوده و به هم راه یابند. (۳)

و آنگاه که قبرها زیرورو گردد. (۴)

هر کس بداند، آنچه از پیش فرستاده و آنچه بر جای گذاشته است. (۵)

ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است؟ (۶)

همان که تو را آفرید و (اندامت را) استوار ساخت و متعادل کرد. (۷)

و به هر صورت که خواست، تو را ترکیب کرد. (۸)

با این همه، (شما روز) جزا را دروغ می پندارید. (۹)

در حالی که قطعاً بر شما نگهبانانی (از فرشتگان) گمارده شده اند. (۱۰)

نویسندگان بزرگوار، (۱۱)

که به آنچه انجام می دهید آگاهند. (۱۲)

بی شک، نیکان در ناز و نعمت بهشتی اند. (۱۳)

و بی شک، بدکاران در آتشی شعله ور. (۱۴)

که در روز جزا به آن وارد شوند و بسوزند. (۱۵)

و لحظه ای، از آن غایب و جدا نشوند. (۱۶)

تو چه دانی که روز جزا چه روزی است؟ (۱۷)

باز، چه دانی که روز جزا چه روزی است؟ (۱۸)

روزی که هیچ کس برای هیچ کس اختیاری ندارد و در آن روز، فرمان تنها برای خداست. (۱۹)

ترجمه فارسی استاد مجتبیوی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آنگاه که آسمان بشکافد، (۱)

و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند - فرو ریزند -، (۲)

و آنگاه که دریاها شکافته و درهم روان شوند، (۳)

و آنگاه که گورها زیر و زبر گردند - تا مردگان زنده بیرون آیند -، (۴)

هر کسی بداند آنچه پیش فرستاده و آنچه واپس انداخته است - سنتهایی که از خود

بجا گذاشته و با دیگران در پاداش عمل به آنها شریک است - (۵)

ای آدمی، چه چیز تو را به پروردگار بزرگوارت - بخشنده و نیکو کارت - بفریفت؟! (۶)

آن که تو را آفرید پس راست و بسامان کرد و [اندامهایت را] معتدل و هماهنگ گردانید. (۷)

به هر صورتی که خود خواست - زن و مرد، زیبا و زشت، بلند و کوتاه و ... - ترکیب کرد. (۸)

نه چنان است [که می پندارید]، بلکه رستخیز - روز پاداش - را دروغ می انگارید. (۹)

و هرآینه بر شما نگهبانانی باشد، (۱۰)

بزرگوارانی نویسنده، (۱۱)

که می دانند آنچه می کنید. (۱۲)

هرآینه نیکان در بهشت پر نعمتاند. (۱۳)

و همانا بدکاران و گنه پیشگان در دوزخاند، (۱۴)

که در روز حساب و پاداش بدان درآیند - یا به آتش آن بسوزند - (۱۵)

و از آن ناپیدا و ناپدید نیستند - یعنی بیرون نیایند - (۱۶)

و تو چه دانی که روز حساب و پاداش چیست؟ (۱۷)

باز چه دانی تو که روز حساب و پاداش چیست؟ (۱۸)

[به یاد آر] روزی که هیچ کس برای هیچ کس چیزی - بازداشتن عذابی یا رساندن سودی - در توان ندارد، و فرمان در آن

روز همه خدای راست. (۱۹)

ترجمه فارسی استاد آیتی

به نام خدای بخشاینده مهربان

آنگاه که آسمان بشکافد، (۱)

و آنگاه که ستارگان پراکنده شوند، (۲)

و آنگاه که دریاها به هم پیوندند، (۳)

و آنگاه که قبرها زیر و زبر گردند، (۴)

هر کس می داند چه چیز پیشاپیش فرستاده و چه چیز بر جای گذاشته است. (۵)

ای آدمی ، چه چیز تو را به پروردگار کریمت

مغرور کرده است؟ (۶)

آن که تو را بیافرید و اعضایت تمام کرد و اعتدالت بخشید. (۷)

و به هر صورتی که خواست اعضای تو را به هم انداخت. (۸)

آگاه باشید که شما روز جزا را دروغ می انگارید. (۹)

حال آنکه بر شما محافظانی گمارده شده اند: (۱۰)

کاتبانی بزرگوار، (۱۱)

می دانند که شما چه می کنید. (۱۲)

هر آینه نیکوکاران در نعمتند، (۱۳)

و گناهکاران در جهنم. (۱۴)

در روز شمار به جهنم در آیند، (۱۵)

و از آن غایب نشوند. (۱۶)

تو چه می دانی که روز شمار چیست؟ (۱۷)

باز هم تو چه می دانی که روز شمار چیست؟ (۱۸)

روزی است که کسی برای کس دیگر هیچ کاری نتواند کرد و در آن روز فرمان خدا باشد. (۱۹)

ترجمه فارسی استاد خرمشاهی

به نام خداوند بخشنده مهربان

چون آسمان گسسته شود (۱)

و چون ستارگان فرو ریزند (۲)

و چون دریاها به هم راه یابند (۳)

و چون گورها زیر و زبر شود (۴)

هر کس بداند که چه چیزی پیش داشته و چه چیزی را فرو گذاشته است (۵)

هان ای انسان چه چیزی تو را در حق پروردگار بخشنده ات غره کرد؟ (۶)

همان که تو را آفرید و استوار کرد و متعادل ساخت (۷)

به هر صورتی که خواست [وجود] تو را ترکیب کرد (۸)

چنین نیست، بلکه [روز] جزا را انکار دارید (۹)

و بر شما نگهبانانی معین شده است (۱۰)

که نویسندگان گرامی اند (۱۱)

آنچه می کنید می دانند (۱۲)

بی گمان نیکان در ناز و نعمت [بهشتی] اند (۱۳)

و بی گمان نافرمانان در آتش دوزخند (۱۴)

در روز جزا وارد آن

شوند (۱۵)

و از آن بدور [و در امان] نیستند (۱۶)

و چه دانی روز جزا چیست (۱۷)

باز چه دانی که روز جزا چیست (۱۸)

روزی که هیچ کس، اختیاری در حق هیچ کس ندارد، و در چنین روز کار با خداوند است (۱۹)

ترجمه فارسی استاد معزی

بنام خداوند بخشاینده مهربان

گاهی که آسمان بشکافد (۱)

و گاهی که ستارگان پاشد (یا بریزد) (۲)

و گاهی که دریاها شکافته شود (۳)

و گاهی که گورها برانگیخته شود (۴)

داند کسی چه پیش فرستاده است و چه پس آورده است (۵)

ای انسان چه چیزت فریفت (یا چه فریفته تو را) به پروردگار کریمت (۶)

آنکه آفریدت پس راست آوردت پس معتدلت ساخت (۷)

به هر پیکری که خواست تو را پرداخت (۸)

نه چنین است بلکه تکذیب کنید به دین (۹)

و همانا بر شما است نگهبانانی (۱۰)

گرامیانی نویسنده گانی (۱۱)

دانند آنچه کنید (۱۲)

همانا نیکانند در نعمتها (۱۳)

و همانا گنهکارانند در دوزخ (۱۴)

چشندش روز دین (۱۵)

و نیستند ایشان از آن ناپدیدان (۱۶)

و ندانی تو چیست روز دین (۱۷)

پس ندانی تو چیست روز دین (۱۸)

روزی که دارا نیست کسی برای کسی چیزی و کار در آن روز خدا را است (۱۹)

ترجمه انگلیسی قرائی

.In the Name of Allah, the All-beneficent, the All-merciful

,When the sky is rent apart ۱

,when the stars are scattered ۲

,when the seas are merged ۳

,when the graves are overturned ۴

.then a soul shall know what it has sent ahead and left behind ۵

,O man! What has deceived you about your generous Lord ۶

,who created you and proportioned you, and gave you an upright nature ۷

?and composed you in any form that He wished ۸

.No indeed! Rather you deny the Retribution ۹

,Indeed, there are over you watchers ۱۰

noble writers ۱۱

who know whatever ۱۲

.you do

,Indeed the pious shall be amid bliss ۱۳

and indeed the vicious shall be in hell ۱۴

,entering it on the Day of Retribution ۱۵

.and they shall not be absent from it ۱۶

?And what will show you what is the Day of Retribution ۱۷

?Again, what will show you what is the Day of Retribution ۱۸

It is a day when no soul will be of any avail to another soul and all command that ۱۹
.day will belong to Allah

ترجمہ انگلیسی شاکر

(When the heaven becomes cleft asunder, (۱

(And when the stars become dispersed, (۲

(And when the seas are made to flow forth, (۳

(And when the graves are laid open, (۴

(Every soul shall know what it has sent before and held back. (۵

(O man ! what has beguiled you from your Lord, the Gracious one, (۶

(Who created you, then made you complete, then made you symmetrical? (۷

(Into whatever form He pleased He constituted you. (۸

(Nay! but you give the lie to the judgment day, (۹

(And most surely there are keepers over you (۱۰

(Honorable recorders, (١١

(They know what you do. (١٢

(Most surely the righteous are in bliss, (١٣

(And most surely the wicked are in burning fire, (١٤

(They shall enter it on the day of judgment. (١٥

(And they shall by no means be absent from it. (١٦

(And what will make you realize what the day of judgement is? (١٧

Again, what will make you realize what the day

(of judgment Is? (۱۸

The day on which no soul shall control anything for (another) soul; and the command
(on that day shall be entirely Allah's. (۱۹

ترجمہ انگلیسی ایروینگ

!In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful

When the sky bursts apart (۱)

,when planets are strewn around (۲)

,when the seas spill forth (۳)

,when graves are overturned (۴)

.each] soul will know what it sent on ahead and has left behind] (۵)

O man, what has lured you away from your generous Lord (۶)

Who created you, fashioned you and proportioned you (۷)

.in whatever shape He wished? He has put your frame together (۸)

!Nevertheless you still reject religion (۹)

Yet over you (all) there stand (۱۰)

;some noble guardians, writing it all down (۱۱)

.they know anything you do (۱۲)

,The virtuous shall be in bliss (۱۳)

;while the loose-living will be in Hades (۱۴)

,they shall roast there on the Day for Repayment (۱۵)

.they will never be led out of it (۱۶)

?What will make you realize what the Day for Repayment is (۱۷)

?Again, what will make you realize what the Day for Repayment will be like (۱۸)

It is] a day when no soul will control anything in favor of any other soul; God] (۱۹)

! [Alone] will hold command on that day

ترجمہ انگلیسی آری

In the Name of God, the Merciful, the Compassionate

(When heaven is split open, (۱)

(when the stars are scattered, (۲)

(when the seas swarm over, (۳)

(when the tombs are overthrown, (۴)

(then a soul shall know its works, the former and the latter. (۵)

(O Man! What deceived thee as to thy generous Lord (۶)

who created thee and shaped thee

(and wrought thee in symmetry (۷

(and composed thee after what form He would? (۸

(No indeed; but you cry lies to the Doom; (۹

(yet there are over you watchers (۱۰

(noble, writers (۱۱

(who know whatever you do. (۱۲

(Surely the pious shall be in bliss, (۱۳

(and the libertines shall be in a fiery furnace (۱۴

(roasting therein on the Day of Doom, (۱۵

(nor shall they ever be absent from it. (۱۶

(And what shall teach thee what is the Day of Doom? (۱۷

(Again, what shall teach thee what is the Day of Doom? (۱۸

A day when no soul shall possess aught to succour another soul; that day

(theCommand shall belong unto God. (۱۹

ترجمہ انگلیسی پیکتال

.In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful

(When the heaven is cleft asunder, (۱

(When the planets are dispersed, (۲

(When the seas are poured forth, (۳

(And the sepulchres are overturned, (۴

(A soul will know what it hath sent before (it) and what left behind. (٥)

(O man! What hath made thee careless concerning thy Lord, the Bountiful, (٦

(Who created thee, then fashioned, then proportioned thee? (٧

(Into whatsoever form He will, He casteth thee (٨

(Nay, but they deny the Judgment. (٩

(Lo ! there are above you guardians, (١٠

(Generous and recording, (١١

(Who know (all) that ye do. (١٢

(Lo! the righteous verily will be in delight (١٣

(And lo! the wicked verily will be in hell; (١٤

,They will burn therein on the Day of Judgment

(And will not be absent thence. (۱۶

(Ah, what will convey unto thee what the Day of Judgment is! (۱۷

(Again, what will convey unto thee what the Day of Judgment is! (۱۸

A day on which no soul hath power at all for any (other) soul. The (absolute) command
(on that day is Allah's. (۱۹

ترجمہ انگلیسی یوسفعلی

.In the name of Allah Most Gracious Most Merciful

(When the Sky is cleft asunder; (۱

(When the Stars are scattered; (۲

(When the Oceans are suffered to burst forth; (۳

(And when the Graves are turned upside down (۴

(Then) shall each soul know what it hath sent forward and (what it hath) kept back. (۵)

(O man! what has seduced thee from thy Lord Most Beneficent? (۶

(Him Who created thee. Fashioned thee in due proportion and gave thee a just bias; (۷

(In whatever Form He wills does He put thee together. (۸

(Nay! but ye do Reject Right and Judgment! (۹

(But verily over you (are appointed angels) to protect you (۱۰

(Kind and honorable writing down (your deeds): (۱۱

(They know (and understand) all that ye do. (۱۲

﴿As for the Righteous they will be in Bliss;﴾ (١٣)

﴿And the Wicked they will be in the Fire﴾ (١٤)

﴿Which they will enter on the Day of Judgment.﴾ (١٥)

﴿And they will not be Able to keep away therefrom.﴾ (١٦)

﴿And what will explain to thee what the Day of Judgment is?﴾ (١٧)

Again what will explain to thee what the Day of Judgment

It will be) the Day when no soul shall have power (to do) aught for another: for the)
(Command that Day will be (wholly) with Allah. (١٩)

ترجمه فرانسوی

.Au nom d'Allah, le Tout Miséricordieux, le Très Miséricordieux
 .١ ,Quand le ciel se rompra
 .٢ ,et que les étoiles se disperseront
 .٣ ,et que les mers confondront leurs eaux
 .٤ ,et que les tombeaux seront bouleversés
 .٥ .toute âme saura alors ce qu'elle a accompli et ce qu'elle a remis de faire à plus tard
 .٦ ش .homme! Qu'est-ce qui t'a trompé au sujet de ton Seigneur, le Noble
 .٧ ?qui t'a créé, puis modelé et constitué harmonieusement
 .٨ .Il t'a façonné dans la forme qu'Il a voulue
 .٩ ;Non...! [malgré tout] vous traitez la Rétribution de mensonge
 .١٠ ,alors que veillent sur vous des gardiens
 .١١ ,de nobles scribes
 .١٢ .qui savent ce que vous faites
 .١٣ ,Les bons seront, certes, dans un [jardin] de délice
 .١٤ et les libertins seront, certes, dans une fournaise
 .١٥ où ils brûleront, le jour de Rétribution

.incapables de s'en échapper .١٦

?Et qui te dira ce qu'est le jour de la Rétribution .١٧

?Encore une fois, qui te dira ce qu'est le jour de la Rétribution .١٨

Le jour où aucune âme ne pourra rien en faveur d'une autre âme. Et ce jour-là, le .١٩
.commandement sera à Allah

ترجمه اسپانیایی

.١ ,Cuando el cielo se hienda

.٢ ,cuando las estrellas se dispersen

.٣ ,cuando los mares sean desbordados

.٤ ,cuando las sepulturas sean vueltas al revés

.٥ .sabrá cada cual lo que hizo y lo que dejó de hacer

.٦ ,Hombre! ¿Qué es lo que te ha engañado acerca de tu noble Señori

.٧ Que te ha

,creado, dado forma y disposición armoniosas

?Que te ha formado del modo que ha querido ۞

,Pero no! Desmentís el Juicio! ۞

:pero hay quienes os guardan ۞

,nobles, escribas ۞

.que saben lo que hacéis ۞

,Sí, los justos estarán en delicia ۞

.mientras que los pecadores estarán en fuego de gehena ۞

En él arderán el día del Juicio ۞

.y no se ausentarán de él ۞

?Y ¿cómo sabrás qué es el día del Juicio ۞

?Sí, ¿cómo sabrás qué es el día del Juicio ۞

El día que nadie pueda hacer nada en favor de nadie. Y será Alá Quien, ese día, ۞
.decida

ترجمه آلمانی

.digen, des Barmherzigen ۞Im Namen Allahs, des Gn

,Wenn der Himmel sich spaltet ۞

,Und wenn die Sterne zerstreut sind ۞

,Und wenn die Meere entstrmen werden ۞

,ber aufgerissen sind ۞Und wenn die Gr ۞

.Dann wird die Seele wissen, was sie getan und was sie unterlassen hat .۵

,O Mensch, was hat dich kühn gemacht gegen deinen gnadenvollen Herrn .۶

?Der dich erschuf und dann dich vollendete und gestaltete .۷

.In der Form, die Ihm beliebte, hat Er dich gebildet .۸

.Nein, ihr leugnet das Gericht .۹

,chter über euch. Jedoch es sind fürwahr W .۱۰

,Ehrwürdige Verzeichner .۱۱

.Die wissen, was ihr tut .۱۲

Wahrlich, die Rechtschaffenen werden in der Wonne sein .۱۳

.Und die Frevler in der Hlle .۱۴

;Sie werden dort eingehen am Tage des Gerichts .۱۵

.Und sie werden nicht imstande sein, daraus zu entrinnen .۱۶

Und was lehrt dich wissen, was der .۱۷

?Tag des Gerichts ist

?Und wiederum, was lehrt dich wissen, was der Tag des Gerichts ist .۱۸

Der Tag, da keine Seele etwas für eine andere Seele zu tun vermag! Und der .۱۹
.Befehl an jenem Tage ist Allahs

ترجمہ ایتالیایی

In nome di Allah, il Compassionevole, il Misericordioso

Quando il cielo si squarcerà .۱

e saranno dispersi gli astri .۲

e confonderanno le loro acque i mari .۳

,e saranno sconvolti i sepolcri .۴

!ogni anima conoscerà quel che avrà fatto e quel che avrà trascurato .۵

O uomo, cosa mai ti ha ingannato circa il tuo Nobile Signore .۶

Che ti ha creato, plasmato e t'ha dato armonia .۷

?e Che ti ha formato nel modo che ha voluto .۸

,No, voi tacciate di menzogna il Giudizio .۹

,nonostante [veglino] su di voi dei custodi .۱۰

, nobili scribi .۱۱

.ben consci di quello che fate .۱۲

, In verità i giusti saranno nella Delizia .۱۳

e in verità i peccatori nella Fornace .۱۴

,in cui precipiteranno nel Giorno del Giudizio .۱۵

.senza potervi sfuggire .۱۶

?Chi mai ti farà comprendere cos'è il Giorno del Giudizio .۱۷

?E ancora, chi mai ti farà comprendere cos'è il Giorno del Giudizio .۱۸

Il Giorno in cui nessun'anima potrà giovare ad un' [altra] anima in alcunché. In quel .۱۹

. Giorno [tutto] il potere apparterrà ad Allah

ترجمہ روسی

!Во имя Аллаха Милостивого, Милосердного

,Когда небо расколось .۱

,и когда звезды осыпались .۲

,и когда моря перелились .۳

,и когда могилы перевернулись .۴

.узнала тогда душа, что она уготовала вперед и отложила .۵

,О человек, что соблазняет тебя в Господе твоём щедрым .۶

,который сотворил тебя, выровнял и соразмерил .۷

!в таком виде, как пожелал, тебя устроил .۸

.Но нет! Вы считаете ложью день суда .۹

А ведь .۱۰

– над вами есть хранители

.благородные писцы .11

.Знают они, что вы делаете .12

!Ведь праведники, конечно, в благодати .13

!А ведь грешники, конечно, в огне .14

,Они будут гореть там в день суда .15

.и не скроются они от него .16

?Что же даст тебе знать, что такое день суда .17

– ?И затем, что же даст тебе знать, что такое день суда .18

в тот день, когда душа ничего не сможет для души, и вся власть в тот день – .19

.Аллаху

ترجمہ ترکی استانبولی

.Rahman ve rahîm Allah adiyle

.Gk yarInca –1

.Ve yldzlar dkülüp saçInca –2

.Ve denizler, kaynayp kar nca –3

.Ve kabirlerin alt üstüne gelince –4

Bilir herkes, neyi ne sürmü tür, neyi sona brakm –5

?A insan, kerem sâhibi Rabbine kar seni gururlandran ne –6

.ylesine Rab ki seni yaratt, âzan düzüp ko tu da seni düzgün bir hâle getirdi ض –7

.Diledi s re de benzetti seni –۸

.sand z gibi deil, hayr siz cez  g n n  de yalanlyorsunuz –۹ ف

.Ve  phe yok ki size koruyucular mem r edilmi tir elbette –۱۰

.B y kt r onlar, yazarlar –۱۱

.Bilirler ne yaparsanz –۱۲

.Ve  phe yok ki it at eden iyi ki iler, elbette cennettedir –۱۳

.Ve  phe yok ki kt l k edenler, elbette cehennemde –۱۴

.Cez  g n nde oraya girerler –۱۵

.Ve oradan hiç ayrılmazlar –۱۶

?Ve bilir misin, nedir cez  g n  –۱۷

?Sonra gene de bilir misin nedir cez  g n  –۱۸

Bir g nd r ki hiçbir kimse, hiçbir kimseye yardm edemez o g n ve h k m, o g n –۱۹

.Allah'n

ترجمه آذربایجانی

!M rh m tli, r hmli Allahın adı il 

.۱ ;G y parçalanacağı zaman

.۲ ;Ulduzlar dağılib s p l n c yi zaman

.۳ ;D nizl r (qaynayib bir–birin ) qarışacağı zaman

.۴ ;Q birl r  vri c yi (q birl rin altı  st n   vri lib  l l r oradan çıxacağı) zaman

.۵ H r k s (d nyada) n  etdiyini v  ( z nd n sonra) n  qoyub getdiyini (d nyada n yi

!edib, n yi etm diyini, b t n yaxşı v  pis  m ll rini, g nahını, savabını) bil c kdir

?Ey (kafir) insan! Səni kərim olan Rəbbinə qarşı aldadan (və ya: məğrur edən) nədir .۶

.O Rəbbin ki, səni (yoxdan) yaratdı, düzəldib qaydaya (insan şəklinə) saldı .۷

.Sənə ?zü istədiyi surətdə biçim verdi .۸

Xeyr, daha doğrusu, siz haqq-hesab gününü .۹

یالان sayırsınız

۱۰. Sizin üstünüzdə gözətçi mələklər

۱۱. Əməllərinizi yazan və (Allah dərğahında) çox hörmətli olan mələklər vardır

۱۲. Onlar sizin nə etdiklərinizi bilirlər

۱۳. Həqiqətən, yaxşı əməl və itaət sahibləri (mö'minlər) Cənnətdə qərar tutacaqlar

۱۴. Pis əməl sahibləri (kafirlər) isə Cəhənnəmdə olacaqlar

۱۵. Onlar (kafirlər) ora haqq-hesab günü daxil olacaqlar

۱۶. Onlar əsla oradan çıxan deyillər

۱۷. (Ya Peyğəmbər!) sən nə bilirsən (haradan bilirsən) ki, haqq-hesab günü nədir

۱۸. Bəli, sən nə bilirsən ki, haqq-hesab günü nədir?! (Qiyamət gününün dəhşətini təsəvvür etmək insanın imkanı xaricindədir. Cəhənnəm əzabının şiddəti hər bir təsəvvürün fövqündədir. Ondən xilas olmaq üçün yalnız bir yol vardır – Allaha səmimi-qəlbədən ibadət və itaət

۱۹. O gün heç kəs heç kəsin karına gələ bilməz. O gün hökm ancaq Allahındır

ترجمہ اردو

شروع خدا کا نام لے کر جو بے ایمان نیکو رحمت والا

۱. جب آسمان پھاڑے گا

۲. اور جب تارے جھڑکے

۳. اور جب دریا بھریں (کر ایک دوسرے سے مل جائیں گے)

۴. اور جب قبریں اکٹھے دی جائیں گی

۵. تب ہر شخص معلوم کرے گا کہ اس نے آگے کیا بھیجا تھا اور پیچھے کیا چھوڑا تھا

۶. انسان تجھ کو اپنہ پروردگار کرم گستر کہ باب میں کس چیز نہ دے و کا دیا

۷. (وہی تو ہے) جس نہ تجھ سے بنایا اور (تیرے اعضا کو) سے یک کیا اور (تیرے قامت کو) معتدل رکھا

۸. اور جس صورت میں چاہا تجھ سے جو دیا

۹. مگر یہ بات تم لوگ جزا کو جلائے ہو

۱۰. حالانکہ تم پر ننگہ بان مقرر ہے

۱۱. عالی قدر (تمہاری باتوں)

۱۱. لوځ مقام لروونکي او (ستاسو ه او بد عمل لیکوونکي (پر ټټ)

۱۲. چ په هغه ه چ

۱۳. په یقین سره چځ نیکان (د جنت) په ځځو رو نعمتونو کځځ دی

۱۴. او بدکاران (فاجران) په دوزخ کځځ دی

۱۵. د جزا (قیامت) په ورځ به هځځ (دوزخ) ته ننوځی او سوزی

۱۶. او دوی هیځکله له هځځ (دوزخه) ځځ او لځ نه دی

۱۷. او تا ته ځځ پته ده چځ د جزا (قیامت) ورځه ځځ شځ دځځ؟

۱۸. بیا تا ته ځځ پته ده چځ د جزا (قیامت) ورځه ځځ ده؟

۱۹. هځځ ورځ ده چځ هیځ ځځوک به توان نه لری چځ د بل په ځځځ ځځ کار وکځی او په هځځ ورځ به ځځول کارونه (حکمونځ) د خدای په لاس وی

ترجمه کردی

۱. Bi navê Yezdanê Dilovan ê Dilovîn Gava ezman çir ya

۲. Û gava siterk verişîn (ketne) xarê

۳. Û gava avşîn keliya tevê hev bûn

۴. Û gava goran (xwelî ya xwe avîtin mirî) ji xwe derxistin

۵. Hemî can dizanin ka ji bona xwe ra çi tişt kirin e, pêşta (şandin e) û çi tişt ne kirin e (para da) (hiştin e)

۶. Merivo! gelo tişta, ku tu ji Xuda yê teyê bi rûmetê dilşa çiya xapandîyî dûrxistîyî çiyê

۷. Ewê tu afirandî, îdî tu rast kirî û tu xistî rûçikê merivan, ewa ye

۸. (Ewa) di kîjan rûçikî da bivê, te wusa berêk dike

۹. Na! (bi gotina we nîne, loma hûn bi na bawerî ya xwe bi tenê na hewin) lê hûn roya xelat û celatan jî didin e derewdêrandinê

Bi rastî li ser we da (ferîstenê) qencî nivîsarokan .1.

.hene! (hûn çi dikin) ewan (feriştan, ewan kirinê we) diparisîn in

.(Ewan (feriştan) qencê (nivîskaran in (loma kê m û pir nanivîsîn in .11

.Hûn çi bikin ewan (feriştan) pê dizan in .12

.(Bi rastî (merivên) qencîkar (di behîsta xuraka dan in .13

.(Û bi rastî (merivên) gunehkar jî di doja (şewatê dan in .14

.Di roya xelat û celatê da (li bal dojê ta) tîn e avîtin e .15

.(Ewan qe (ji dojê) wunda nabin (dernakev in .16

?Muhemmed!) ka tu ji kûderê dizan î, roya xelat û celatan çîye .17

?Paşê dîsa (Muhemmed!) ka tu ji kuderê dizan î, roya xe-lat û celatan çîye .18

Ewa royeye wusaye kesek ji bona kesekî ra kêrê tu tiştî nayê. Di wê royê da hemî .19

.ferman ji bona Yezdan ra nin

ترجمه اندونزی

(Bukan hanya durhaka saja, bahkan kamu mendustakan hari pembalasan.(9

Padahal sesungguhnya bagi kamu ada (malaikat- malaikat) yang mengawasi
((pekerjaanmu),(10

(Yang mulia (di sisi Allah) dan yang mencatat (pekerjaan- pekerjaanmu itu),(11) (2

(Mereka mengetahui apa yang kamu kerjakan.(12) (3

Sesungguhnya orang- orang yang banyak berbakti benar- benar berada dalam surga
(yang penuh kenikmatan,(13) (4

Dan sesungguhnya orang- orang yang durhaka benar- benar berada dalam neraka.

((14) (5

(Mereka masuk ke dalamnya pada hari pembalasan.(15) (6

(Dan mereka sekali-kali tidak dapat keluar dari neraka itu.(16) (v

(Tahukah kamu apakah hari pembalasan itu.(17) (A

(Sekali lagi, tahukah kamu apakah hari pembalasan itu.(18) (9

Yaitu) hari (ketika) seseorang tidak berdaya sedikit pun untuk menolong orang lain.)

(Dan segala urusan pada hari itu dalam kekuasaan Allah.(19) (1.

Dengan menyebut nama

(Allah Yang Maha Pemurah lagi Maha Penyayang. (11

(Kecelakaan besarlah bagi orang-orang yang curang, (1) (12

yaitu) orang-orang yang apabila menerima takaran dari orang lain mereka minta)

(dipenuhi, (2) (13

dan apabila mereka menakar atau menimbang untuk orang lain, mereka mengurangi.

((3) (14

Tidakkah orang-orang itu yakin, bahwa sesungguhnya mereka akan dibangkitkan, (4)

((15

(pada suatu hari yang besar, (5) (16

(yaitu) hari (ketika) manusia berdiri menghadap Tuhan semesta alam (6) (17)

Sekali-kali jangan curang, karena sesungguhnya kitab orang yang durhaka

(tersimpan dalam sijjin. (7) (18

(Tahukah, kamu apakah sijjin itu (8) (19

ترجمہ مالیزیایی

Dengan nama Allah, Yang Maha Pemurah, lagi Maha Mengasihani

(Apabila langit terbelah; (1

(Dan apabila bintang-bintang gugur bertaburan; (2

(Dan apabila lautan pecah bercampur-baur; (3

(Dan apabila kubur-kubur dibongkarkan, - (4

Setelah semuanya itu berlaku), tiap-tiap orang akan mengetahui apa yang telah)

(dikerjakan dan ditinggalkannya. (5

Wahai manusia! Apakah yang memperdayakanmu - (berlaku derhaka) kepada

(Tuhanmu yang Maha Pemurah? – (6

Tuhan yang telah mencipta dan mengatur kejadianmu, lalu menjadikan anggotamu sesuai (dengan tujuan yang kerananya anggota itu diadakan), serta menjadikan ((binaan tubuh badanmu) sama padan dengan kekuatannya; (7

Dalam bentuk dan rupa apa sahaja yang dikehendakiNya, Ia menyusun kejadianmu. ((8

Sebenarnya tidak ada yang memperdayakan kamu (hai golongan yang ingkar)! (Bahkan kamu sendiri tidak percayakan adanya hari pembalasan. (9

Padahal sesungguhnya, ada malaikat-malaikat yang menjaga dan mengawas segala (bawaan kamu, (10

Mereka adalah makhluk) yang mulia (di sisi Allah), lagi ditugaskan menulis (amal-) (amal kamu); (11

(Mereka mengetahui apa yang kamu lakukan. (12

Gunanya catitan malaikat-malaikat itu ialah: untuk menyatakan siapa yang berbakti) dan siapa

yang bersalah) – kerana sesungguhnya: orang-orang yang berbakti (dengan taat dan (amal kebajikan), tetap berada dalam Syurga yang penuh nikmat; (۱۳

Dan sesungguhnya orang-orang yang bersalah, bertempat dalam neraka yang (menjulang-julang. (۱۴

(Mereka menderita bakaran neraka itu pada hari pembalasan, (۱۵

(Dan mereka (sentiasa berada dalam azab seksanya), tidak ghaib daripadanya. (۱۶

(Dan apa jalannya engkau dapat mengetahui kedahsyatan hari pembalasan itu? (۱۷

Sekali lagi, apa jalannya engkau dapat mengetahui kedahsyatan hari pembalasan itu? ((۱۸

Hari itu ialah) hari seseorang tidak dapat memberikan pertolongan sedikitpun) (kepada orang lain, dan segala urusan pada hari itu tertentu bagi Allah. (۱۹

ترجمہ سواحیلی

Kwajina la Mwenyeezi Mungu, Mwingi wa rehema, Mwenye kurehemu

۱. Mbingu zitakapo pasuka .

۲. Na nyota zitakapotawanyika .

۳. Na bahari zitakapopasuliwa .

۴. Na makaburi yatakapofukuliwa .

۵. Nafsi itajua iliyoyatanguliza na iliyoyabakisha nyuma .

۶. Ewe Mwanadamu ni nini kikudanganyacho na Mola wako Mtukufu .

۷. Aliyekuumba na kukutengeneza, kisha akakulinganisha sawa .

۸. Katika sura yoyote aliyoitaka amekutengeneza .

۹. Sivyo, bali nyinyi mnaikadhibisha siku ya hukumu .

۱۰. Na hakika juu yenu kuna walinzi .

۱۱. Waandishi wenye heshima .

۱۲. Wanayajua mnayoyatenda .

۱۳. Kwa hakika watu wema watakuwa katika neema .

۱۴. Na kwa hakika waovu watakuwa Motoni .

۱۵. Wataingia humo siku ya Malipo .

۱۶. Wala hawatakuwa mbali nao .

۱۷. ?Na nini kitakujulisha siku ya malipo ni nini .

۱۸. ?Tena nini kitakujulisha siku ya malipo ni nini .

۱۹. Ni siku ambayo nafsi haitaimiliki nafsi (nyingine) chochote, na amri siku hiyo .
itakuwa ya Mwenyeezi Mungu

تفسیر سوره

تفسیر المیزان

صفحه ی ۳۶۴

(۸۲) سوره انفطار مکی است و نوزده آیه دارد (۱۹)

[سوره الانفطار (۸۲): آیات ۱ تا ۱۹] ترجمه آیات به نام خدای رحمان و رحیم.

وقتی که آسمان بشکافت (۱).

و وقتی که ستارگان پراکنده شود (۲).

و وقتی که دریاها به هم متصل گردد (۳).

و زمانی که گورها زیر و رو شود و مردگان از آن بیرون شوند (۴).

در آن روز هر کس داند که چه کرده و چه نکرده (۵).

ای انسان چیست که تو را به پروردگزار کریمت مغرور کرده است؟ (۶).

صفحه ی ۳۶۵

پروردگاری که تو را آفریده و پرداخته و تناسب داده (۷).

و به هر صورتی که خواسته ترکیب کرده است (۸).

اصلاً شما روز جزا را دروغ می شمارید (۹).

و گر نه او بر شما نگهبانان گماشته

(۱۰).

که نویسندگانی ارجمندند (۱۱).

و هر چه بکنید می دانند (۱۲).

و در روز قیامت آنها که نیکوکارند در نعیمند (۱۳).

و آنها که بدکارند در جهنمند (۱۴).

روز جزا وارد آن شوند (۱۵).

و از آن غائب نگردند (۱۶).

تو چه دانی که روز جزا چیست؟ (۱۷).

و باز چه دانی که روز جزا چیست (۱۸).

روزی است که کسی درباره کسی اختیاری ندارد و آن روز فرمان خاص خداست (۱۹).

بیان آیات این سوره روز قیامت را با بعضی از علامت های متصل به آن تحدید می کند، و خود آن روز را هم به بعضی از وقایعی که در آن روز واقع می شود معرفی می کند، و آن این است که در آن روز تمامی اعمالی که انسان خودش کرده و همه آثاری که بر اعمالش مترتب شده، و بوسیله ملائکه حفظه که موکل بر او بوده اند محفوظ مانده، در آن روز جزاء داده می شود. اگر اعمال نیک بوده با نعیم آخرت، و اگر زشت بوده و ناشی از تکذیب قیامت بوده، با دوزخ پاداش داده می شود، دوزخی که خود او افروخته و جاودانه در آن خواهد زیست.

آن گاه دوباره توصیف روز قیامت را از سر می گیرد، که آن روزی است که هیچ کسی برای خودش مالک چیزی نیست، و امر در آن روز تنها برای خداست. و این سوره از آیات برجسته قرآن است، و بدون هیچ اختلافی در مکه نازل شده است.

" إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ " کلمه " فطر " به معنای شکافتن و کلمه " انفطار " به معنای شکافته شدن است، و آیه شریفه نظیر آیه زیر است، که آن نیز سخن از شکافته شدن آسمان دارد، و می فرماید: " وَ

"وَ إِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ" یعنی روزی که ستارگان هر یک مدار خود را رها کرده، درهم و برهم می شوند. در حقیقت در این آیه ستارگان را به گردن بندی از مروارید تشبیه کرده که دانه های ریز و درشتش را با نظمی معین چیده و به نخ کشیده باشند ناگهان رشته اش پاره شود و دانه ها درهم و برهم و متفرق شوند.

"وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ" در مجمع البیان گفته کلمه "تفجیر" به معنای آن است که به اصطلاح فارسی آب نهر را به خاطر زیاد شدن بشکنند، و بند را آب ببرد، و گناه را هم اگر فجور می گویند، برای این است که گناهکار، پرده حیا را پاره می کند، و از صراط مستقیم خارج گشته، به بسیاری از گناهان مبتلا می شود، و اگر صبح را فجر می گویند، باز برای این است که روشنی پرده ظلمت را پاره کرده به همه جا منتشر می شود (۲).

و اینکه مفسرین تفجیر بحار را تفسیر کرده اند به این که دریاها به هم متصل می شوند، و حائل از میان برداشته شده، شورش با شیرینش مخلوط می شود، برگشتش باز به همین معنایی است که صاحب مجمع کرده، و این معنا با تفسیری که برای آیه "وَ إِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ" (۳) کردند، که دریاها پر از آتش می شوند نیز مناسبت دارد.

"وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعِثِرَتْ" در مجمع البیان گفته وقتی می گوئیم: "بعثت الحوض و بخرته" در هر دو صورت معنایش این است که من آب حوض را زیر و رو کردم، و دو کلمه "بعثه" و "بخره" به معنای پشت و رو کردن، و باطن چیزی را ظاهر ساختن می آید (۴) پس معنای

آیه این است که زمانی که خاک قبرها منقلب و باطنش بظاهر بر می گردد، باطنش که همان انسانهای مرده باشد ظاهر می شود، تا به جزای اعمالشان برسند.

[مراد از اینکه در قیامت هر نفسی به آنچه مقدم و مؤخر داشته عالم می شود]

"عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ" مراد از "علم نفس"، علم تفصیلی است به آن اعمالی که در دنیا کرده، و این غیر از

(۱) و بنای مستحکم آسمان (از دهشت و عظمت) سست شود و سخت در هم شکافد سوره الحاقه، آیه ۱۶.

(۲) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۴۸.

(۳) سوره تکویر، آیه ۶.

(۴) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۴۸.

صفحه ی ۳۶۷

آن علمی است که بعد از منتشر شدن نامه اعمالش پیدا می کند، چون آیات زیر هم دلالت دارد بر اینکه انسان به اعمالی که کرده آگاه است: "بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ" «۱»، "يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ" «۲»، "يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ" «۳».

و مراد از "نفس"، جنس انسانها است، پس عمومیت را افاده می کند. و مراد از "آنچه مقدم و مؤخر داشته"، اعمالی است که خودش کرده، و سنت هایی است که برای بعد از مرگش باب کرده، حال چه سنت خوب و چه سنت زشت، که بعد از مردنش هر کس به آن سنت ها عمل کند ثواب و عقاب را به حساب او نیز می نویسند، هم چنان که فرمود: "وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ" «۴».

ولی بعضی «۵» گفته اند: مراد از این دو جمله، اعمالی که در اول عمر کرده و اعمالی که در آخر عمر انجام

داده می باشد، در نتیجه عبارت " ما قَدَّمْتُ وَ أَخَّرْتُ " می خواهد بفهماند به همه اعمال خود آگاه می شود و چنان نیست که اعمال دوران کودکی و جوانی را فراموش کند.

بعضی «۶» دیگر در معنای تقدیم و تاخیر و جوهی دیگر گفته اند که قابل اعتناء نیست، هر کس بخواد می تواند به تفاسیر مطول مراجعه کند.

و ما در تفسیر آیه " لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ " «۷» کلامی داشتیم که مراجعه به آن برای اینجا بی فایده نیست.

" يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ... رَبَّكَ " این آیه شریفه انسان را مورد عتاب قرار داده، سرزنش می کند، و منظور از این انسان، افرادی هستند که منکر روز جزایند، چون دنبال این آیات فرموده: " كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ "،

(۱) نه، بلکه انسان بصیر به نفس خویش است، اگر بهانه ها رای کنار بگذارد. سوره قیامت، آیه ۱۴ و ۱۵.

(۲) روزی که انسان متذکر می شود که چه کرده است. سوره نازعات، آیه ۳۵.

(۳) روزی که انسان آنچه از خیر و یا از شر انجام داده حاضر می یابد. سوره آل عمران، آیه ۳۰.

(۴) و ما کردار گذشته و آثار آینده شان رای می نویسیم. سوره یس آیه ۱۲.

(۵) منهج الصادقین، ج ۱۰، ص ۱۷۰.

(۶) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۶۳.

(۷) سوره انفال، آیه ۳۷.

صفحه ی ۳۶۸

و معلوم است که تکذیب یوم الدین، کفر، و مستلزم انکار تشریح دین است، و این انکار هم مستلزم انکار ربوبیت خدای تعالی است، و اگر چنین شخصی را انسان خواند، برای این بود که حجت و یا شبیه حجتی باشد برای اینکه بفهماند نعمت هایی که در آیات بعد می شمارد تمامی برای تک تک انسانها نیست، بلکه مجموع آنها ثابت است

برای تمام انسانها.

در این آیه می بینیم که غرور را معلق به دو صفت " ربوبیت " و " کرم " خدای تعالی کرده، و این بدان منظور بوده که بفهماند علت عتاب و توبیخ چه بود، و حاصلش این است که تمرد مربوب و سرگرمی و فرو رفتن سرپایش در معصیت ربی که مدبر امر او است، و نعمت های ظاهری و باطنیش سرپای وجود او را فرا گرفته، کفرانی است که هیچ فطرت سلیمی در زشتی آن شک ندارد، و بدون دغدغه مرتکبش را مستحق عقاب می داند، مخصوصا در موردی که رب منعم، کریم هم باشد، یعنی اگر نعمتی می دهد و عطایی می کند هیچ قسم سودی را برای خود منظور ندارد، و علاوه بر این در احسانی که می کند بديها و نادانیهها و نافرمانیهای مربوب را در نظر نمی گیرد، و از همه اغماض می کند، که کفران چنین ربی باز هم زشت تر و توجه عتاب و مذمت شدیدتر و روشن تر است.

[مفاد استفهام توبیخی " يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ " و آنچه وصف " کریم " افاده می کند]

پس اینکه فرمود: " يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ " استفهامی است توبیخی که انسان را به صورت سؤال در برابر کفرانی مخصوص یعنی بدون عذر و بهانه مذمت می کند، و آن کفران مخصوص، کفران نعمت های ربی است کریم.

انسان در برابر این سؤال جوابی ندارد، و نمی تواند بگوید: پروردگارا! کرم تو مرا مغرور کرد، چون پروردگارش قبلا به زبان انبیایش به او پیام داده بود که: " لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ " «۱»، و نیز فرموده بود: " فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَ آتَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى «۲»، و از

این قبیل پیامهای دیگر که تصریح می کند به اینکه معاندین مفری از عذاب ندارند، و کرم خدا در قیامت شامل آنان نمی شود، هم چنان که در جای دیگر فرمود: " وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ " (۳).

(۱) اگر شکر بگزارید نعمتتان را زیاد می کنم، و اگر کفران بورزید عذابم سخت است. سوره ابراهیم، آیه ۷.

(۲) اما آن کس که طغیان کند و حیات دنیا را بر زندگی آخرت ترجیح دهد، محققا تنها دوزخ جای او است. سوره نازعات، آیه ۳۹.

(۳) و رحمت من همه چیز را فرا گرفته، و به زودی همه اش را به کسانی اختصاص می دهم که تقوی داشته باشند. سوره اعراف، آیه ۱۵۶. _____ صفحه ۳۶۹ ی

و معلوم است که بعد از بیان و تمامیت حجت، دیگر عذری نمی ماند، و اگر در عین حال گنهکار بتواند بگوید: " کرم تو مغرورم کرد " و به صرف گفتن این حرف عذاب از او برطرف شود، باید در مورد کافر معاند هم کافی باشد، و حال آنکه چنین نیست، چون گفتیم بعد از بیان عذری نیست.

از همین جا روشن می شود که گفتار بعضی «۱» از مفسرین که گفته اند: آوردن کلمه " کرم " در آیه از باب تلقین حجت است، که آن نیز مظهري از کرم است. درست نیست.

چگونه ممکن است خواسته باشد به دهان بنده اش بگذارد که در پاسخ من بگو:

" خدایا کرم تو مرا مغرور کرد " (۲)، با اینکه سیاق آیه سیاق تهدید است، به طوری که در آخر بدینجا کشیده می شود که " وَ إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ وَ مَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ".

" الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ " - این جمله ربوبیت توأم با کرم خدا

را بیان می کند و می فرماید: یکی از موارد تدبیر او این است که: انسان را با همه اجزای وجودش خلق کرد، و سپس به تسویه اش پرداخته، هر عضو او را در جای مناسبش که حکمت اقتضای آن را دارد قرار داد، و سپس به عدل بندی او پرداخته، بعضی از اعضا و قوایش را با بعضی دیگر معادل قرار داد، و بین آنها توازن و تعادل برقرار کرد، که می بینیم هیچ عضوی از اعضای او از معادلش قوی تر و سنگین تر نیست، در نتیجه اگر یکی از اعضایش نتوانست کار او را انجام دهد عضوی دیگر برایش قرار داده تا آن کار را انجام دهد، مثلاً خوردن که با لقمه انجام می شود کار دهان است، و چون دهان خودش نمی تواند لقمه را پاره و خرد کند این کار را با دندانهایی مختلف انجام می دهد، و چون نیازمند است لقمه را زیر دندانها بدهد، و از این سو به آن سو ببرد، خدای تعالی این کار را به عهده زبان گذاشت، و چون دهان در گرفتن لقمه احتیاج به آلتی داشت که لقمه را گرفته در آن قرار دهد، این کار را به عهده دست ها نهاد، دست هم احتیاج به کف و کف دست هم احتیاج به انگشتان- با آن منافع مختلفش- داشت، و انگشتان هم احتیاج به بند داشت و از سوی دیگر دست هم بخاطر اینکه همه جا دراز نمی شود، احتیاج داشت که از جایی به جایی دیگر منتقل شود، و لذا خدا برای آدمی پا قرار داد، و روی همین حساب معادله را در اعمال سایر اعضاء و قوا که هزاران هزار و بلکه از

(۱) تفسیر روح المعانی، ج ۳۰، ص ۶۰.

(۲) نظیر کلام یعقوب که گفت می ترسم یوسفم را گرگ پاره کند، که با این سخن به دهان بچه ها گذاشت که در مراجعت اگر از شما پرسیدم پسر را چه کردید؟ بگویید گرگ او را پاره کرد، "مترجم".
صفحه ی ۳۷۰

شمار بیرون است برقرار ساخت، و همه اینها مظاهری از تدبیر خدای تعالی است، او است که این نعمت ها را افاضه می فرماید، بدون اینکه منفعتی برای خود خواسته باشد، و بدون اینکه ناسپاسی انسانها مانع افاضه او شود، آری افاضه او از کریمی او است.

"فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ" - این آیه شریفه جمله "عدلك" را بیان می کند، و به همین جهت در اول آن واو عاطفه نیامده. کلمه "صورت" به معنای نقشی است که اجرام و اعیان به خود می گیرند، و با صورت خاص به خود، از جرمهای دیگر مشخص می گردند، مثلا- معلوم می شود این یکی سنگ و آن دیگری کفش و آن سومی آجر است. و کلمه "ما" در آیه زایده است، که صرفا به منظور تاکید آمده.

و معنایش این است که: ای انسان چه باعث شد به پروردگار کریمت که تو را آفرید، و اعضاء و قوایت را تسویه کرد، و در هر شکلی که خواست تو را ترکیب نمود، مغرور شوی؟

- با اینکه او نخواسته و نمی خواهد مگر چیزی را که مقتضای حکمت باشد- تو را به مقتضای حکمت مرکب کرد از نر و ماده، سفید و سیاه، بلند و کوتاه، چاق و لاغر، قوی و ضعیف، و غیر اینها، و نیز مرکب کرد از اعضایی که در همه افراد هست، و در

بین خود از یکدیگر متمایز است، نظیر دو دست، دو پا، دو چشم، سر و بدن، و استوای قامت، و امثال آن که همه اینها از مصادیق عدل در ترکیب اجزا با یکدیگر است، و یا به تعبیر آیه شریفه "لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ" (۱) احسن تقویم است و همه به تدبیر رب کریم منتهی می شود، و خود انسان در هیچ یک از آنها دخالتی ندارد.

"كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ" کلمه "کلا" مثل کلمه "حاشا" ردع و انکار را می رساند، در اینجا می خواهد مغروریت انسان به کرم خدای تعالی را ردع کند، که انسانهای ناسپاس آن را وسیله و بهانه کفر و معصیت خود کردند، می فرماید مغرور نشوید که این غرور سودی به حال شما نخواهد داشت.

"بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ" - یعنی نه، بلکه شما جزا را تکذیب می کنید، در این جمله از آنچه از آیه "مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ" استفاده می شود اعراض شده، از آن جمله استفاده می شود که علت کفر و معصیت آنان مغرور شدن به کرم الهی بوده، و گر نه به قیامت و جزا و لو بالقوه اعتراف دارند، چون فطرت سلیم بر آن حکم می کند، در این جمله می فرماید: نه، علت این نیست، بلکه علت واقعی این جرأت و حسارت بر کفران و نافرمانی، بدون کمترین ترسی از

(۱) که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریده ایم. سوره تین، آیه ۴.

صفحه ی ۳۷۱

جزا، این است که روز جزا را منکرید.

در آیه "يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ" خطاب را متوجه انسان نموده شش مرتبه ضمیر کاف خطاب مفرد به آن برگردانید، ناگهان در آیه مورد بحث ضمیر را جمع مخاطب

کرد، تا بفهماند هر کس که در معصیت و کفر با انسان شریک باشد تنها علت کفر و نافرمانیش نداشتن ایمان به روز جزا است.

"وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ" این آیه شریفه اشاره دارد به اینکه اعمال انسان غیر از طریق یادآوری خود صاحب عمل، از طریق دیگری نیز محفوظ است، و آن محفوظ بودن اعمال با نوشتن فرشتگان نویسنده اعمال است، که در طول زندگی هر انسانی موکل بر او هستند، و بر معیار آن اعمال پاداش و کیفر می بینند، هم چنان که فرمود: "وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا" «۱».

"وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ" - یعنی از ناحیه ما حافظانی موکل بر شما هستند، که اعمال شما را با نوشتن حفظ می کنند، این آن معنایی است که سیاق افاده اش می کند.

"كِرَامًا كَاتِبِينَ" - حافظانی که دارای کرامت و عزتی نزد خدای تعالی هستند، و این توصیف یعنی توصیف ملائکه به کرامت در قرآن کریم مکرر آمده، و بعید نیست که با کمک سیاق بگوییم مراد این است که فرشتگان به حسب خلقت موجوداتی مصون از گناه و معصیت، و مفسور بر عصمت هستند، مؤید این احتمال آیه شریفه "بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ" «۲» است، که دلالت دارد بر اینکه ملائکه اراده نمی کنند مگر آنچه را که خدا اراده کرده باشد و انجام نمی دهند مگر آنچه را که او دستور داده باشد، و همچنین آیه "كِرَامٍ بَرَرَةٍ" «۳».

و مراد از کتابت در کلمه "کاتبین" نوشتن اعمال است، به شهادت اینکه می فرماید:

"يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ" و در

(۱) روز قیامت برایش نامه ای بیرون می آوریم که آن را گشوده می بیند، به او گفته می شود کتابت را بخوان که در امروز خودت برای حساب رسی علیه خودت کافی هستی. سوره اسری، آیه ۱۲ و ۱۴.

(۲) بلکه اینها بندگان شایسته او هستند که هرگز در سخن بر او پیشی نمی گیرند و به فرمان او عمل می کنند. سوره انبیاء، آیه ۲۶ و ۲۷.

(۳) والا مقام و فرمانبردار و نیکوکار. سوره عبس، آیه ۱۶.

(۴) ما آنچه را انجام می دادید می نوشیم. سوره جاثیه، آیه ۲۹. صفحه ی ۳۷۲

کتابت اعمال داشتیم، هر کس بخواد می تواند بدانجا مراجعه نماید.

[ملائکه به افعال و نیت ما علم دارند و بر هر کس دو ملک مامور ثبت و کتابت اعمال اویند]

"يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ" - در این جمله می خواهد بفرماید: فرشتگان در تشخیص اعمال نیک از بد شما و تمیز حسنه آن از سیئه آن دچار اشتباه نمی شوند. پس این آیه ملائکه را منزله از خطا می دارد، هم چنان که آیه قبلی آنان را از گناه منزله می داشت. بنا بر این ملائکه به افعال بشر با همه جزئیات و صفات آن احاطه دارند، و آن را همانطور که هست حفظ می کنند.

در این آیات عده این فرشتگان که مامور نوشتن اعمال انسانند معین نشده، بله در آیه زیر که می فرماید: "إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ" (۱) استفاده می شود که برای هر یک انسان دو نفر از آن فرشتگان موکلند، یکی از راست و یکی از چپ، و در روایات وارده در این باب نیز آمده که فرشته طرف راست مامور

نوشتن حسنات، و طرف چپ مامور نوشتن گناهان است.

و نیز در تفسیر آیه "إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا" (۲)، اخبار بسیار زیادی از دو طریق شیعه و سنی رسیده که دلالت دارد بر اینکه نویسندگان نامه اعمال هر روز بعد از غروب خورشید بالا می روند، و نویسندگانی دیگر نازل می شوند، و اعمال شب را می نویسند تا صبح شود، بعد از طلوع فجر صعود نموده مجدداً فرشتگان روز نازل می شوند، و همین طور.

و در آیه مورد بحث که می فرماید: "يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ" دلالتی بر این معنا هست که نویسندگان دانای به نیت نیز هستند، چون می فرماید: آنچه انسانها می کنند می دانند، و معلوم است که بدون علم به نیت نمی توانند به خصوصیات افعال و عناوین آنها، و اینکه خیر است یا شر، حسنه است یا سیئه علم پیدا کنند، پس معلوم می شود ملائکه دانای به نیت نیز هستند.

"إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ" این آیه عطف به سابق نشده، بلکه استینافی است، می خواهد نتیجه حفظ اعمال با نوشتن نویسندگان و ظهور آن را در قیامت بیان کند.

و کلمه "ابرار" به معنای نیکوکاران است، و کلمه "فجار" به معنای گنهکاران پرده در است، و ظاهراً مراد کفار هتاک باشد، نه مسلمانان گنهکار، چون مسلمانان در آتش _____

(۱) به خاطر بیاورید هنگامی که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند اعمال او را دریافت می دارند. سوره ق، آیه ۱۷.

(۲) همان قرآن فجر (نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان شب و روز) است. سوره اسراء، آیه ۷۸.

_____ صفحه ی ۳۷۳

مخلد نمی شوند. و اگر کلمه "نعیم" و "جحیم" را نکره آورده- بطوری که گفته شده «۱»-

برای این بوده که بفهماند عظمت آن نعمت و هول و هراس آن دوزخ چیزی نیست که بتوان به آن پی برد.

"يَصِيءُ لَمُوتِهَا يَوْمَ الدِّينِ" ضمير "ها" به جحيم بر می گردد، می فرماید فجار در روز جزا برای ابد ملازم دوزخند، و از آن جدا شدن نیستند.

"وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ" این آیه عطف تفسیری است بر آیه قبل و همان مفاد را تاکید می کند، و خلاصه مجددا می فرماید اهل دوزخ از دوزخ غایب نمی شوند، و منظور این است که از آن بیرون نمی آیند، پس آیه مورد بحث در معنای آیه "وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ" (۲) است.

"وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ" این جمله روز جزا را بزرگ و هول انگیز معرفی می کند، و معنایش این است که: تو نمی توانی به حقیقت یوم الدین احاطه پیدا کنی. و این کنایه است از عظمت، و اینکه یوم الدین بالاتر از آن است که قالب الفاظ بتواند آن را آن طور که هست در خود بگنجانند، در این جمله می توانست به آوردن ضمیر اکتفاء کند، ولی نکرده، و مجددا کلمه "یوم الدین" را آورد تا بزرگی آن روز را تاکید کند.

"ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ" تکرار جمله نیز برای تاکید مطلب است.

"يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ" کلمه "یوم" ظرفی است که به تقدیر "اذکر" و یا نظیر آن منصوب شده، یعنی به یاد آر روزی را که هیچ کس برای کسی مالک چیزی نیست، و این آیه علاوه بر آنچه در آیه قبل بود بیان اجمالی دیگری است برای حقیقت یوم الدین.

[در قیامت رابطه تاثیر و تاثر

توضیح اینکه: رابطه تاثیر از ناحیه اسباب ظاهری، و تاثر از ناحیه مسببات آن در روز قیامت منقطع است، هم چنان که در جای دیگر بدان تصریح نموده، می فرماید " وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ " «۳»، و نیز فرموده: " وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً " «۴»، پس _____

(۱) تفسیر روح المعانی، ج ۳۰، ص ۶۶.

(۲) و ایشان هرگز از آتش خارج نخواهند شد. سوره بقره، آیه ۱۶۷.

(۳) و دستشان از همه جا کوتاه می شود. سوره بقره، آیه ۱۶۶.

(۴) و اگر ستمگران وضع خود را در آن روز که عذاب را مشاهده می کنند می دیدند، آن وقت می فهمیدند که نیرو هر چه _____ است برای خداست. _____ سوره بقره آیة _____ ه ۱۶۵.
_____ صفحه ی ۳۷۴

در آن روز هیچ انسانی مالک چیزی برای دیگری نیست. و یا به عبارتی دیگر نمی تواند برای دیگران کاری بکند، شری را دفع و یا خیری را جلب نماید، و این با آیات شفاعت منافات ندارد، چون شفاعت به اذن خدا انجام می شود، و در نتیجه باز خود خدا مالک است، نه شخص شفیع.

و معنای جمله " وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ " این است که: در آن روز مالک، تنها و تنها خدا است، و غیر او کمترین سهمی از مالکیت ندارد.

و مراد از کلمه " امر " - به طوری که گفته اند «۱» - مفرد کلمه " اوامر " است، یعنی تنها او است که دستور می دهد، چون در جای دیگر نیز فرموده: " لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ " «۲»، پس منظور از این کلمه به معنای مقابل نهی است، و اینکه بعضی «۳» آن را به معنای شان گرفته اند با مقام آیه نمی سازد.

روایتی [روایاتی در ذیل " عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَ أَخَّرَتْ "، " وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ " و " وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ "]

در تفسیر قمی در ذیل آیه " وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ " فرموده: یعنی قبرها شکافته می شود، و مردگان بیرون می آیند «۴».

و در الدر المنثور است که حاکم (وی حدیث را صحیح دانسته) از حدیفه روایت آورده که گفت رسول خدا (ص) فرمود: " هر کس سنت خیری را باب کند، و خودش به آن عمل نماید، هم اجر عمل خود را دارد و هم مثل اجرهای پیروانش را، بدون اینکه از اجر پیروانش کم شود، و هر کس سنت شری را باب کند، و خودش به آن عمل کند، هم وبال عمل خود را دارد، و هم مثل وبالی که پیروانش دارند، بدون اینکه از وبال پیروان چیزی کم شود، حدیفه بعد از نقل این کلام، آیه " عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَ أَخَّرَتْ " را تلاوت کرد «۵».

(۱) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۶۶.

(۲) سلطنت و مصدریت امر و دستور، تنها از آن خدا است. سوره مؤمن، آیه ۱۶.

(۳) روح المعانی، ج ۳۰، ص ۶۷.

(۴) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۹.

(۵) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۲۱.

صفحه ی ۳۷۵

و در همان کتاب آمده که عبد بن حمید از صالح بن مسمار روایت کرده که گفت:

من شنیده ام رسول خدا (ص) بعد از آنکه آیه " يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ " را تلاوت فرموده، در پاسخ به خدای تعالی عرضه داشته: نادانیش او را نسبت به تو مغرور کرده «۱».

و در تفسیر قمی در ذیل آیه " فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ " فرموده: اگر می خواست، به صورتی غیر این صورت

تو را ترکیب می کرد «۲».

مؤلف: این روایت را صاحب مجمع البیان بدون ذکر سند از امام صادق (ع) آورده «۳».

و نیز در همان تفسیر در ذیل آیه "وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ" فرموده: همان دو فرشته ای که موکل بر انسانند «۴».

و از سعد السعود نقل شده و در روایتی هم آمده که این دو فرشته - که موکل بر انسانند - هنگام نماز فجر نزد مؤمن می آیند، و با آمدن آنان آن دو فرشته که در شب موکل بر او بودند بالا می روند، و چون خورشید غروب کند، دوباره همان دو فرشته برای نوشتن اعمال شب نازل می شوند، و نویسندگان روز بالا می روند، و اعمال او را به درگاه خدای عز و جل می برند.

و مدام این آمد و شد ادامه دارد، تا اجل مؤمن برسد وقتی اجلش رسید، (این) دو فرشته با فرد صالح خدا حافظی می کنند، و می گویند خدا عوض ما جزای خیرت دهد، چه بسیار عمل صالحی که به ما نشان دادی، و چه سخنان نیکوی بسیاری که به گوش ما شنوادی، و چه مجالس خیری که ما را بدانجا بردی، در عوض ما امروز موکل بر هر چیزی هستیم که دوست بداری، و آن را برایت تامین می کنیم، و به درگاه پروردگارت شفاعت می کنیم.

و اما اگر گنهکار باشد به او می گویند خدا عوض از ما جزای شری به تو بدهد، برای اینکه یک عمر ما را آزردی، چه اعمال زشتی که به ما نشان دادی، و چه سخنان زشتی که به گوش ما شنوادی، و چه بسیار مجالس بدی که ما را بردی، و از این به بعد ما هم موکل بر هر امری هستیم

که تو آن را کراهت بداری، و علیه تو نزد پروردگارت شهادت می دهیم» (۵).

(۱) الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۲۱.

(۲) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۹.

(۳) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۴۹.

(۴) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۹.

(۵) نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۲۳ به نقل از سعد السعیدی.

صفحه ی ۳۷۶

و در مجمع البیان در ذیل آیه " وَ الْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ " می گوید: عمرو بن شمر از جابر از امام باقر (ع) روایت کرده که فرمود: " و الامر یومئذ و الیوم کله لله "، آن گاه فرمود:

ای جابر وقتی قیامت می شود، همه حکام از بین می روند، و دیگر حاکمی نمی ماند بجز خدا «۱».

مؤلف: منظور آن جناب این است که: امر، تنها در قیامت مختص به خدا نیست بلکه در دنیا هم همین طور است، و اگر در آیه مالکیت امر را مختص به خدا در روز قیامت کرده، به این اعتبار بوده که این حقیقت در قیامت ظاهر می شود، نه اینکه تنها در آن روز مالک است، پس علت اینکه ظهور این حقیقت مختص به قیامت شده، این است که در قیامت امر و حکم دیگری نمی ماند، سایر صفاتی هم که در قرآن کریم برای خدا در خصوص قیامت اثبات شده نظیر امر است. و بنا بر این می توان گفت این روایت از روایات برجسته است.

(۱) مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۵۰.

تفسیر نمونه

سوره انفطار

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و دارای ۱۹ آیه است

این سوره مانند بسیاری از سوره های دیگر جزء آخر قرآن بر محور مسائل مربوط به قیامت دور می زند، و رویهمرفته در آیات نوزدهگانه آن به پنج موضوع در این

رابطه اشاره شده :

۱ - اشراط الساعه : یعنی حوادث عظیمی که در پایان جهان و در آستانه قیامت رخ می دهد.

۲ - توجه انسان به نعمتهای خداوند که سراسر وجود او را فرا گرفته ، و شکستن غرور او، تا خود را برای معاد آماده سازد.

۳ - اشاره به فرشتگانی که مأمور ثبت اعمال انسانها هستند.

۴ - سر نوشت نیکان و بدان در قیامت .

۵ - گوشه ای از سختیهای آن روز بزرگ .

فضیلت تلاوت این سوره

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم : من قراء هاتین السورتین ((اذا السماء انفطرت)) و اذا السماء انشقت و جعلهما نصب عینه فی صلاه الفریضه و النافله لم یحجبه من الله حجاب ، و لم یحجزه من الله حاجز، و لم یزل ینظر الی الله و ینظر الله الیه حتی یفرغ من حساب الناس : ((هر کس این دو سوره : سوره انفطار و سوره انشقاق را تلاوت کند، و آن دو را

در نماز فریضه و نافله برابر چشم خود قرار دهد هیچ حجابی او را از خدا محجوب نمی دارد، و چیزی میان او و خداوند حائل نمی شود، پیوسته (با چشم دل) به خدا می نگرد و خدا (با لطفش) به او نگاه می کند، تا از حساب مردم فارغ شود)). <۱>

مسلمنا نعمت بزرگ حضور در پیشگاه خدا، و از میان رفتن حجابها او و پروردگار، برای کسی است که این دو سوره را در عمق جاننش جای دهد و خود را بر اساس آن بسازد، نه اینکه به لقلقه زبان اکتفا کند.

تفسیر :

آن زمان که نظام

جهان درهم ریزد!

باز در آغاز این سوره به قسمتی از حوادث وحشت انگیزی که در آستانه رستاخیز سرتاسر این جهان را فرا می گیرد برخورد می کنیم .

نخست می فرماید:

((در آن زمان که آسمان (کرات آسمانی) از هم شکافته شود)) (اذا السماء انفطرت).

((و آن زمان که ستارگان پراکنده شوند و فرو ریزند)) (و اذا الكواكب انتثرت).

نظام جهان بالا درهم می ریزد، و انفجارهای عظیمی سراسر کرات آسمانی را فرا می گیرد، منظومه ها نظام خویش را از دست می دهند، و ستارگان از مدار خود بیرون می روند، و بر اثر تصادم شدید به یکدیگر متلاشی می شوند، عمر این جهان به پایان می رسد، و همه چیز ویران می شود، تا بر ویرانه هایش عالم نوین آخرت بر پا گردد.

((انفطرت)) از ماده ((انفطار)) به معنی انشقاق و شکافته شدن است، نظیر این تعبیر در بسیاری از آیات قرآن آمده، از جمله: در آیه ۱ سوره انشقاق می خوانیم اذا السماء انشقت، و در آیه ۱۸ سوره مزمل می فرماید السماء منفطر به

((انتثرت)) در اصل از ماده ((نثر)) (بر وزن نصر) به معنی پراکنده ساختن و ((انتثار)) به معنی پراکنده شدن و از آنجا که پراکنده شدن ستارگان (همانند گردن بندی که رشته آن گسیخته باشد) سبب می شود که هر کدام در گوشه ای

بیفتند بسیاری از مفسران آن را به معنی سقوط ستارگان تفسیر کرده اند، و این لازمه معنی پراکندگی است .

((کواکب)) جمع کوکب در لغت عرب معانی زیادی دارد از جمله: ستاره به طور اعم، و ستاره زهره به طور

اخص ، سفیدی که در چشم ظاهر می شود، گیاهان بلند، شکوفه درختان ، درخشندگی فولاد، نوجوان زیبا، شمشیر، آب ، ریس یک جمعیت ، و غیر آن .

ولی ظاهرا معنی حقیقی آن ، همان ستاره درخشنده و فروزان است ، و بقیه ، معانی مجازی محسوب می شود که به مناسبت شباهت با معنی اصل ، در آنها استعمال شده است

در اینکه پراکنده شدن ستارگان و انفجار کواکب آسمان و به هم ریختن نظام آنها تحت تاءثیر چه عواملی رخ می دهد؟ آیا تعادل جاذبه و دافعه به هم می خورد؟ یا یک نیروی عظیم مرموزی آن را تحت الشعاع خویش قرار می دهد؟ یا انبساط تدریجی عالم که امروز از نظر دانشمندان به اثبات رسیده به جایی می رسد که این نتیجه را به دنبال دارد؟ هیچکس به درستی نمی داند، ولی همین اندازه می دانیم که هدف اعلام این مطلب است جایی که این کرات عظیم آسمانی به چنین سرنوشتی دچار شوند تکلیف انسان ضعیف در این میان معلوم است !

این همه هشدار است به انسان در زمینه فنای این جهان ، تا آن را سرای جاویدان خود نداند، به آن دل نبندد، به خاطر آن آلوده هزاران گناه نشود.

سپس از آسمان به زمین می آید و می فرماید: ((در آن زمان که دریاها به هم پیوسته شوند)) (و اذا البحار فجرت).

گرچه امروز نیز تمام دریاهای روی زمین (غیر از دریاچه ها) به هم ارتباط

دارند، ولی به نظر می رسد که در آستانه قیامت بر اثر زلزله های شدید، یا متلاشی شدن کوهها و ریختن آنها در دریاها چنان

دریاها پر می شوند که آب سراسر خشکیها را فرا می گیرد، و دریاها به صورت یک اقیانوس گسترده فراگیر در می آیند، همانگونه که یکی از تفسیرهای آیه ۶ سوره تکویر (و اذا البحار سجرت). همین است و قبلا اشاره کردیم.

احتمال دیگری که در تفسیر این آیه و همچنین آیه ۶ سوره تکویر داده شده این است که منظور از فجرت و سجرت همان انفجار و برافروختگی است که اقیانوسها را مبدل به یکپارچه از آتش می کند، زیرا همانگونه که اشاره کردیم آب از دو عنصر تشکیل یافته که هر دو شدیداً قابل احتراق است، و اگر بر اثر عواملی آب دریاها تجزیه و تبدیل به ((اکسیژن)) و ((نیدروژن)) شود بر اثر یک جرقه همگی تبدیل به آتش خواهد شد!

سپس درباره مرحله دوم رستاخیز مرحله تجدید حیات جهان و تجدید حیات مردگان است می فرماید: و در آن هنگام که قبرها زیر و رو شود (و اذا القبور بعثرت).

و مردگان بیرون آیند و برای حساب آماده شوند.

((بعثت)) به معنی زیر و رو شدن و پراکنده گشتن است، راغب در ((مفردات)) بعید نمی شمرد که این واژه مرکب از دو واژه ((بعث)) و ((اثیرت)) بوده باشد، و لذا معنی هر دو را در خود جمع کرده، و در نتیجه به معنی زیر و رو و پراکنده شدن آمده است (نظیر ((بسمله)) که از ((بسم)) و ((الله)) گرفته شده).

به هر حال آنچه در آیه فوق آمده شبیه چیزی است که در سوره ((زلزال)) می خوانیم و اخرجت

الارض ائقالها: ((زمین ذخائر خود را خارج می سازد))

(بنابر اینکه منظور مردگان مدفون در زمین باشد که یکی از تفسیرهای مشهور این آیه است) و یا شبیه چیزی که در سوره ((نازعات)) آیه ۱۳ و ۱۴ آمده است: فانما هی زجره واحده فاذا هم بالساهره: ((تنها یک صیحه خواهد بود و به دنبال آن ناگهان همگی بر صفحه زمین ظاهر می شوند)).

همه این تعبیرات نشان می دهد که زنده شدن و خارج گشتن مردگان از قبرها سریع و ناگهانی صورت می گیرد.

و بعد از ذکر این نشانه ها که قبل از رستاخیز و بعد از آن صورت می گیرد، سخن نهایی را چنین بیان می کند: ((در آن روز هر کس می داند آنچه را که از قبل فرستاده و آنچه را برای بعد گذاشته است)) (علمت نفس ما قدمت و اخرت).

آری آن روز حجابها کنار می رود، پرده های غرور و غفلت دریده می شود، و حقایق جهان عریان و آشکار می گردد، و از آنجا که آن روز ((یوم البروز)) است همه چیز بارز و ظاهر می شود، و در آنجا است که انسان تمامی اعمال خود را می بیند و از نیک و بد آن آگاه می شود، چه اعمالی را که از قبل فرستاده، و چه کارهایی که آثارش بعد از او در دنیا باقیمانده، و نتایجش به او رسیده است، مانند خیرات و صدقات جاریه، و بناها و آثاری که برای مقاصد رحمانی یا شیطانی ساخته، و از خود بجا نهاده است، و یا کتابها و آثار علمی

و غیر علمی که برای مقاصد نیک و بد تحریر یافته ، و بعد از او مورد بهره برداری دیگران قرار گرفته است ، همچنین سنتهای نیک و بد که اقوامی را به دنبال خود کشانیده .

اینها است نمونه هایی که از کارهایی که نتایجش بعد از انسان به او می رسد و مصداق ((اخرت)) در آیه فوق است .

درست که انسان در این دنیا نیز اجمالا از اعمال خود با خبر است ، ولی

فراموشکاریها و خودخواهیها و حب ذات غالبا مانع می شود که همه را به خاطر بسپارد، و به عمق آثار اعمال خویش واقف گردد، ولی در آن روز که انقلاب و تحولی در همه چیز پیدا می شود روح و جان آدمی نیز دستخوش چنین انقلابی می گردد، آنجاست که به تمام اعمال خود علم تفصیلی و دقیق پیدا می کند بلکه طبق آیه ۳۰ سوره آل عمران ((یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضرا و ما عملت من سوء)) همه را در مقابل خود حاضر می بیند.

بعضی از مفسران برای آیه تفسیرهای دیگری نیز ذکر کرده اند، از جمله اینکه منظور کارهایی است که در آغاز عمر مقدم داشته و کارهایی که به اواخر عمر انداخته است ، ولی تفسیر اول از هر جهت مناسب تر است .

ضمنا منظور از ((نفس)) در اینجا هر نفسی از نفوس انسانی است و تمامی افراد بشر را شامل می شود.

آثاری که از انسان باقی می ماند

علاوه بر آنچه در آیات فوق آمده از روایات اسلامی نیز به خوبی استفاده می شود که ممکن است آثاری از انسان باقی بماند

که برکات یا عواقب سوئش تا سالهای متمادی و حتی تا دامنه قیامت به او برسد.

چنانکه در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: لیس يتبع الرجل بعد موته من الاجر الا ثلاث خصال: صدقه اجراها فی حیاة، فہی تجری بعد موته، و سنه ہدی سنہا، فہی تعمل بہا بعد موته، و ولد صالح یستغفر لہ: ((بعد از مرگ انسان پروندہ اعمال او بستہ می شود، و اجر و پاداشی بہ او نمی رسد مگر از سہ طریق: بناھا و اشیاء مفیدی کہ برای استفادہ مردم از خود بہ یادگار

گذاردہ، و بعد از او جریان خود را طی می کند، و سنت ہدایتگری کہ آن را بہ وجود آورده، و بعد از مرگ او بہ آن عمل می شود، و فرزند صالحی کہ برای او استغفار می کند)). <۲>

در روایت دیگری این امور شش چیز شمرده شدہ کہ بہ حال مؤمنان بعد از موتشان مفید است: فرزند صالح، قرآنی کہ آن را تلاوت می کند، چاهی کہ حفر کردہ، درختی کہ غرس نمودہ، تهیه آب، و سنت حسنہ ای کہ بعد از او باقی می ماند و مورد توجہ قرار می گیرد. <۳>

در بعضی از روایات روی علم و دانشی کہ از انسان در میان مردم نیز می ماند تکیہ شدہ است. <۴>

مخصوصاً در مورد سنت نیک و بد روایات متعددی داریم کہ بہ مردم هشدار می دہد، مراقب باشند کہ بر اثر اعمال آنها چگونه سنتی در میان مردم باقی می ماند.

مرحوم طبرسی

در ذیل آیات مورد بحث حدیثی به این مضمون نقل می کند که روزی شخصی در محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برخاست و از مردم تقاضای کمک کرد، همگی خاموش شدند، در این موقع یکی از اصحاب چیزی به سائل داد، بقیه نیز از او پیروی کرده و به مرد فقیر کمک می کردند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من استن خیرا فاستن به فله اجره، و مثل اجور من اتبعه، غیر منتقص من اجورهم، و من استن شرا فاستن به فعلیه وزره، و مثل اوزار من اتبعه غیر منتقص من اوزارهم: کسی که سنت نیکی بگذارد و دیگران به او اقتدا کنند پاداش خود را دارد، و همانند پاداش کسانی که از او پیروی کرده اند،

بی آنکه از اجر آنها کاسته شود، و کسی که سنت بدی بگذارد و از آن پیروی کنند، گناه خود را دارد و همانند گناهان کسانی که از او پیروی کرده اند، بی آنکه از گناهان آنها چیزی کاسته شود، در اینجا بود که خدیفه یکی از یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه علمت نفس ما قدمت و اخرت را تلاوت کرد. <۵>

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نیز می فرماید: فکیف بکم لو تناهت بکم الامور و بعثت القبور هنالك تبلو کل نفس ما اسلفت و ردوا الی الله مولا هم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون: چگونه خواهید بود آنگاه که همه امور پایان پذیرد، قبرها زیر و رو شود، و همه شما

در عرصه محشر حاضر شوید، آنجا است که هر کس هر عملی را قبلاً انجام داده می‌آزمایید، و همگی به سوی خداوند که مولی و سرپرست حقیقی آنها است باز می‌گردند، و کسانی را که به دروغ همتای او قرار دادند از خاطر آنها می‌رود. <۶>

این آیات و روایات ابعاد مسئولیت انسان را در برابر اعمالش از دیدگاه اسلام منعکس می‌کند و نشان می‌دهد که تا چه حد هر انسانی در مقابل اعمال خویش مسئول است، تا آنجا که ممکن است بعد از گذشتن هزاران سال آثارش برای او پاداشی نیک بیافریند، یا وزر و لعن و گناه به بار آورد.

در این زمینه در جلد ۱۱ صفحه ۲۰۶ تا ۲۰۸ (ذیل آیه ۲۵ سوره نحل) نیز بحث کرده ایم. ای انسان چه چیز تو را مغرور ساخته؟!

در تعقیب آیات گذشته که پیرامون معاد سخن می‌گفت، در آیات مورد بحث برای بیدار کردن انسان از خواب غفلت، و توجه او به مسئولیت‌هایش در برابر خداوند، نخست او را مخاطب ساخته و با یک استفهام توییخی شدید و در عین حال توأم با نوعی لطف و محبت می‌فرماید: ((ای انسان چه چیزی تو را از پروردگار کریمت غافل ساخته؟ و در برابر او جسور و مغرور نموده))؟! (یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم).

در اینجا ((انسان)) را به عنوان انسانیتش که اتمام امتیازات او را بر سایر موجودات این جهان یاد آور می‌شود مخاطب ساخته، سپس او را در برابر خداوندی قرار می‌دهد که هم ((رب

((است و هم ((کریم)) به مقتضای ربوبیتش پیوسته او را در کنف حمایت خود قرار داده ، و تربیت و تکامل او را بر عهده گرفته ، و به مقتضای کرمش او را بر سر خوان نعمت خود نشانده ، و از تمام مواهب مادی و معنوی برخوردار ساخته است ، بی آنکه انتظاری از او داشته باشد و پاداش و عوضی بطلبد، حتی خطاهای او را نادیده می گیرد، و با کرمش او را مورد عفو قرار می دهد.

آیا سزاوار است چنین موجود شریفی در برابر چنان پروردگار بزرگی جسور گردد؟

و یا لحظه ای از او غافل شود و در انجام فرمانش که ضامن سعادت خود او است قصور ورزد؟

و لذا در حدیثی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که هنگام تلاوت این

آیه فرمود: غره جهله : ((جهل و نادانیش او را مغرور و غافل ساخته است))! <۷>

و از اینجا روشن می شود هدف این است که با تکیه بر مسأله ربوبیت و کرم خداوند غرور و غفلت انسان را درهم بشکند، آنگونه که بعضی پنداشته اند که هدف تلقین آدمی در زمینه عذر خواهی او است که در جواب بگوید: کرم مرا مغرور ساخت .

و نیز آنچه از ((فضیل بن عیاض)) نقل شده که از او سؤال کردند اگر در روز قیامت خداوند تو را به حضور طلبد و از تو پرسد: ما غرک بربک الکریم ، در جواب چه می گویی گفت : در جواب می گویم : غرنی ستورک المرخاه ((پرده هایی که بر گناهان من افکنده بودی

مرا غافل و مغرور ساخت)) نیز متناسب مفهوم آیه نیست ، بلکه در جهت مخالف هدف اصلی آیه قرار دارد، چرا که هدف درهم شکستن غرور و بیدار کردن از خواب غفلت است ، نه پرده جدیدی بر پرده های غفلت افکندن !

بنابراین سزاوار نیست آیه را از هدفی که داشته منحرف سازیم ، و در جهت مخالف آن نتیجه گیری کنیم .

((غرک)) از ماده ((غرور)) در اصل به معنی غفلت به هنگام بیداری است ، و به تعبیر دیگر غفلت در جایی که انسان باید غافل نباشد، و از آنجا که غفلت گاه سر چشمه ((جسارت)) و یا ((خود برترینی)) می شود واژه ((غرور)) به این معانی نیز تفسیر شده است ، و شیطان را از این رو غرور (بر وزن شرور) می گویند که انسان را با وسوسه های خود فریب می دهد و غافل و مغرور می کند.

در تفسیر ((کریم)) تعییرات گوناگونی گفته اند، بعضی گفته اند: کریم بخشنده ای است که تمام افعالش احسان است و هرگز با بخشش خود در پی کسب سود یا دفع زیان نیست .

بعضی گفته اند: کریم کسی است که هم آنچه را بر او است و هم آنچه را بر او لازم نیست می بخشد.

و بعضی گفته اند: کریم کسی است که متاع کم را می پذیرد، و بهای زیاد در برابر آن می دهد.

ولی در حقیقت همه اینها در مفهوم کریم در صورتی که در حد اعلی همچون کرم خداوند در نظر گرفته شود جمع است . و در کرم خداوند همین بس که تنها به عفو گنهکار راضی

نمی شود بلکه گناهان را (در مورد کسانی که شایستگی دارند) به حسنات تبدیل می کند.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در تفسیر این آیه جمله های عجیبی دارد، می فرماید:

این آیه کوبنده ترین دلیل در برابر شنونده است ، و قاطعترین عذر در برابر شخص مغرور، کسی که جهالت و نادانیش او را جسور و مغرور ساخته ، خداوند می فرماید:

ای انسان چه چیز تو را بر گناهت جرات داده؟، و چه چیز تو را در برابر پروردگارت مغرور ساخته؟، و چه چیز تو را به هلاکت خویش علاقه مند نموده؟

آیا این بیماری تو بهبودی ندارد؟ یا این خوابت به بیداری نمی انجامد؟ چرا (لا اقل) آن مقدار که به دیگران رحم می کنی به خودت رحم نمی کنی ، تو هر گاه کسی را در میان آفتاب سوزان به بینی بر او سایه می افکنی ، هر گاه

بیماری را به بینی که درد، او را سخت ناتوان ساخته از روی ترحم بر او گریه می کنی ، پس چه چیز تو را بر بیماریت صبور ساخته ، و بر مصیبت شکیبیا نموده ، و از گریه بر خویشتن تسلیت داده؟ در حالی که عزیزترین افراد نزد تو خودت می باشی چگونه ترس از نزول بلا در شب ترا بیدار نکرده ، با اینکه در گناه و معصیت او غوطه وری ، و در حالی که زیر سلطه او قرار داری .

بیا و این بیماری (غفلت از خدا) را با داروی تصمیم و عزم راسخ مداوا کن ، و این خواب غفلتی را که چشمانت را فرو گرفته

با بیداری برطرف ساز، بیا مطیع خداوند شو، و به یاد او انس گیر، خوب تصور کن که به هنگام غفلت از خدا او با دادن نعمتها به تو عنایت می کند، تو را به سوی عفو و بخشش خویش می خواند، و زیر پوشش فضل و برکات خود قرار می دهد.

در حالی که تو همچنان به او پشت کرده ای، و به دیگری رو می آوری، بزرگ است خداوندی که با این قدرت عظیم، کریم است، اما تو با این ضعف و حقارت چقدر بر معصیت او جسوری! ... <۸>

سپس برای بیدار ساختن این انسان غافل به گوشه ای از کرم و الطافش به او در چهار مرحله اشاره کرده . می فرماید: ((همان خدایی که تو را آفرید، سپس دستگاه های وجودت را منظم ساخت و سپس تعدیل نمود)) (الذی خلقت فسواک فعدلک).

((و به هر صورتی می خواست تو را ترکیب نمود)) (فی ای صوره ما شاء رکبک). <۹>

و به این ترتیب مراحل چهارگانه عظیم خلقت را یعنی اصل آفرینش، و سپس تنظیم، و بعد از آن تعدیل، و سرانجام ترکیب بندی را در عباراتی کوتاه و پر معنی بیان می کند.

در مرحله اول اصل آفرینش انسان قرار دارد که او را از نطفه ای ناچیز در ظلمتکده رحم آفرید.

و در مرحله بعد که مرحله ((تسویه و تنظیم)) است هر عضوی از اعضاء پیکر او را با نظم بندی عجیبی موزون ساخت، چشم و گوش و قلب و عروق و سایر اعضا را که اگر انسان در ساختمان و

نظام هر یک به تنهایی بیندیشد، و الطاف و مواهب الهی را در هر یک از آنها بنگردن دنیایی از علم و قدرت و لطف و کرم را در برابر چشمان خود مجسم می بیند.

مواهبی که هزاران سال است دانشمندان علوم طبیعی درباره آن می اندیشند، و می گویند، و می نویسند، و هنوز آغاز دفتر است و آنها همچنان در اول وصف او مانده اند.

سپس نوبت به موهبت سوم دیگری می رسد که ((تعدیل میان قوا و اعضای پیکر و هماهنگی و رابطه آنها با یکدیگر است)).

بدن انسان عمدتاً از دو بخش آفریده شده که قرینه یکدیگرند: دستها و پاها چشمها و گوشها و استخوان بندیها و عروق و اعصاب و عضلات در دو بخش بدن هماهنگ و مکمل یکدیگرند.

بعلاوه اعضاء مختلف نیز کار یکدیگر را تکمیل می کنند، فی المثل دستگاه تنفس به گردش خون کمک می کند، و دستگاه گردش خون به تنفس، برای بلعیدن یک لقمه غذا، دندانها و زبان، و غده های بزاقی، و عضلات اطراف دهان، و گلو، همه دست به دست هم می دهند تا لقمه ای وارد دستگاه هاضمه شود، و از آن پس نیز هماهنگیهای زیادی صورت می گیرد تا غذا هضم و جذب بدن گردد،

و نیروی لازم را برای تلاش و حرکت ایجاد کند اینها همه در جمله ((فعدلک)) جمع است .

بعضی این جمله را اشاره به راست قامت بودن انسان در میان انواع حیوانات که فضیلت و مزیتی برای او محسوب می شود دانسته اند، این معنی با مرحله بعد سازگارتر است ولی معنی قبل جامعتر می باشد.

سرانجام مرحله ((ترکیب)) و ((صورت بندی)) او در مقایسه با موجودات دیگر فرا می رسد، آری خداوند نوع انسان را در مقایسه با انواع حیوانات و جانوران صورتی موزون و زیبا و بدیع داده است ، همچنین سیرتی زیبا توأم با فطرتی بیدار، و ترکیبی که آماده پذیرش هر گونه علم و آگاهی و تعلیم و تربیت است .

و از این گذشته صورتهای افراد انسان با یکدیگر متفاوت است و همانگونه که در آیه ۲۲ سوره روم آمده است ((اختلاف رنگها و زبانهای شما از آیات خدا است)) ((و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و الوانکم)) که اگر این تفاوت نبود نظام زندگی اجتماعی بشر مختل می شد.

علاوه بر این اختلاف ظاهری ، اختلافهایی در استعدادها و ذوقها و سلیقه ها قرار داده ، و آنها را به صورتهایی که حکمتش اقتضا می کرده ترکیب و تنظیم نموده ، تا از مجموع آنها جامعه ای سالم به وجود آید که همه نیازمندیهای خود را تاءمین کند و قوای ظاهر و باطن انسانها مکمل یکدیگر شوند.

در مجموع همانگونه که در آیه ۴ سوره ((تین)) آمده است لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ((خداوند این انسان را به بهترین صورت آفریده است)).

کوتاه سخن اینکه در این آیات و بسیاری دیگر از آیات قرآن خداوند این انسان فراموشکار و مغرور را وادار به عرفان خویشان می کند از آغاز آفرینش

در رحم مادر، تا لحظه تولد، و از آنگاه تا نمو و رشد کامل ، وجود خویش را مورد بررسی دقیق قرار دهد، و ببیند در هر گام

، و در هر لحظه ، نعمت تازه ای از سوی آن منعم بزرگ به سراغش آمده ، تا خود را سراپا غرق احسان او بیند و از مرکب غرور و غفلت پایین آید و طوق بندگی حق را بر گردن نهد.

سپس قرآن به سراغ منشاء غرور و غفلت آنها می رود، و می فرماید: آن گونه که می پندارید نیست ((بلکه روز جزا را منکرید)) (کلاب تکذوبون بالدین).

نه مسأله کرم خداوند مایه غرور شما است ، و نه لطف و نعمتهای او، بلکه ریشه اصلی را در عدم ایمان به روز رستاخیز باید بیابید. <۱۰>

آری هنگامی که در حال افراد مغرور و غافل دقت کنیم می بینم مسأله اصلی این است که در اعماق روح بسیاری از آنها شک و تردید یا انکار قیامت نهفته است ، و امور دیگر همگی بهانه است ، به همین دلیل اگر پایه های ایمان به معاد در دلها تقویت گردد این غرور و غفلتها برچیده خواهد شد.

منظور از ((دین)) در اینجا جزا و روز جزا است و اینکه بعضی احتمال داده اند

منظور دین اسلام است بعید به نظر می رسد چرا که محور سخن در این آیات معاد است .

سپس برای از میان بردن عوامل غرور و غفلت و تقویت ایمان به معاد می افزاید: ((بدون شك نگاهبانانی بر شما گمارده شده است)) (و ان علیکم لحافظین). <۱۱>

((نگاهبانانی که در نزد پروردگار مقرب و محترمند و پیوسته اعمال شما را می نویسند)) (کراما کاتیین).

((و از آنچه شما انجام می دهید آگاهند، و همه را به خوبی می دانند)) (یعلمون)

منظور از ((حافظین)) در اینجا فرشتگانی هستند که مأمور حفظ و نگهداری اعمال انسانها اعم از نیک و بد هستند که در آیه ۱۷ سوره ق از آنها تعبیر به ((رقیب و عتید)) شده است : ما یلفظ من قول الالدیه رقیب عتید: انسان هیچ سخنی را تلفظ نمی کند مگر اینکه نزد آن فرشته ای است مراقب و آماده برای انجام مأموریت ، و در همان سوره ق در آیه قبل می فرماید: اذ یتلقى المتلقیان عن الیمین و عن الشمال قعید: ((به خاطر بیاورید هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم شما هستند اعمال شما را تلقی و ثبت می کنند)).

در آیات دیگر قرآن نیز به وجود این فرشتگان مراقب اعمال اشاره شده است .

بدون شک خداوند قبل از هر کس ، و بهتر از هر کس ، شاهد و ناظر اعمال آدمی است ، ولی برای تاءکید بیشتر و احساس مسؤ ولیت فزونتر مراقبان زیادی گمارده است که یک گروه از آنها همین فرشتگانند.

علاوه بر اینها مراقبان دیگری انسان را از هر طرف احاطه کرده اند که مجموع آنها را تحت عنوان گواهان در دادگاه قیامت در هفت قسمت در جلد ۲۰ صفحه ۲۵۴ - ۲۵۸ ذکر کرده ایم (ذیل آیه ۲۰ و ۲۱ سوره فصلت) و فهرست وار در اینجا به آن اشاره می شود:

نخست ذات پاک خداوند که می فرماید: ((هر عملی را انجام می دهید ما شاهد و ناظریم)) (یونس ۶۱).

سپس پیامبران و اوصیا هستند (نساء - ۴۱).

و بعد از آن زبان و دست و پا و به طور کلی

اعضای پیکر انسان (نور - ۲۴).

و دیگر پوست تن انسان (فصلت ۲۱).

و دیگر فرشتگان (ق - ۲۱) و آیه مورد بحث .

و سپس زمینی که انسان روی آن زندگی می کند و اطاعت و گناه از او سر می زند (زلزال - ۴).

و سرانجام زمانی که اعمال در آن انجام می شود (سفینه البحار جلد ۲ ماده یوم).

در ((احتجاج طبرسی)) آمده است که شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید: علت وجود فرشتگان ماءمور ثبت اعمال نیک و بد انسانها چیست ، در حالی که می دانیم خداوند عالم السر و ما هو اخفی است یعنی هر چیزی را که از آن مخفی تر نیست می داند؟! امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود:

استعبدهم بذلک ، و جعلهم شهودا علی خلقه ، لیکون العباد لملازمتهم ایاهم اشد علی طاعه الله مواظبه ، و عن معصيته اشد انقباضا، و کم من عبد یهم بمعصیه فذکر مکانهما فارعوی و کف ، فیقول ربی یرانی ، و حفظتی علی بذلک تشهد، و ان الله براءفته و لطفه و کلهم بعباده ، یذبون عنهم مرده الشیاطین ، و هو ام الارض ، و آفات کثیره من حیث لا یرون باذن الله ، الی ان یجی ء امر الله عزوجل .

((خداوند این فرشتگان را به عبادت خود دعوت کرد و آنها را شهود بر بندگانش قرار داد، تا بندگان به خاطر مراقبت آنان ، بیشتر مراقب اطاعت الهی باشند، و از عصیان او بیشتر ناراحت شوند، و چه بسیار بنده ای که تصمیم به گناه می گیرد سپس به یاد این فرشته می افتد و خودداری می

کند، می گوید: پروردگارم مرا می بیند، و فرشتگان حافظ اعمال نیز گواهی می دهند، علاوه بر این ، خداوند به رحمت و لطفش اینها را مأمور بندگان کرده ، تا به فرمان خدا شیاطین سرکش را از آنها دور کند، و همچنین جانوران زمین و آفات بسیار را که آنها نمی بینند، تا آن زمان که فرمان خدا و مرگ آنها فرا - رسد)). <۱۲>

از این روایت به خوبی استفاده می شود که آنها علاوه بر مأموریت ثبت اعمال مأمور حفظ انسان از حوادث ناگوار و آفات و وسوسه های شیاطین نیز هستند.

درباره وظائف مختلف فرشتگان الهی و مأموریت های آنها شرح مبسوطی در جلد ۱۸ صفحه ۱۷۳ تا ۱۷۷ (ذیل آیه ۱ سوره فاطر) آمده است .

قابل توجه اینکه آیات فوق در توصیف این فرشتگان می گوید: ((آنها

بزرگوار و در نزد پروردگار والامقامند)) تا انسانها بیشتر مراقب اعمال خویش باشند زیرا هر قدر ناظر بر اعمال انسان شخصیت والتری داشته باشد انسان بیشتر از او ملاحظه می کند، و از انجام گناه شرمنده تر می شود.

تعبیر به ((کاتبین)) در حقیقت تاء کیدی است بر این معنی که آنها به حافظه قناعت نمی کنند، بلکه دقیقاً می نویسند و ثبت می کنند، و به این ترتیب هرگز چیزی از آنها فوت نمی شود و صغیر و کبیر را ثبت می کند.

تعبیر به ((یعلمون ما تفعلون)) ((آنچه را انجام می دهید آنها می دانند)) باز تاء کید مجددی است بر این حقیقت که آنها از همه اعمال شما بدون استثنا آگاهند و نوشتن آنها بر اساس همین آگاهی است .

ضمناً تمام این تعبیرات بیانگر اختیار

و آزادی اراده انسان است ، چرا که اگر آدمی اختیاری از خود نداشت گماردن اینهمه ماءمورین ثبت و ضبط اعمال ، و اینهمه هشدار و اخطارها هدف و مفهوم صحیحی نخواهد داشت .

از سوی دیگر همه اینها بیانگر این واقعیت است که مسأله حساب و جزای الهی بسیار سخت جدی است ، چرا که خداوند اهمیت فوق العاده ای به آن داده است .

و توجه و ایمان به این واقعیت کافی است که انسان را تربیت کند و به مسؤ ولیتهایش آشنا سازد و اثر بازدارنده فوق العاده روی اعمال خلاف بگذارد.

ماءموران ثبت اعمال

نه تنها در آیات فوق که در بسیاری دیگر از آیات قرآن و روایات اسلامی به این معنی اشاره شده که خداوند ماءمورانی مراقب هر انسانی کرده که اعمال او را اعم از نیک و بد می نویسند، و نامه اعمال را برای روز جزا آماده می کنند.

درباره ویژگیهای این فرشتگان تعبیرات پر معنی و هشدار دهنده ای در روایات اسلامی وارد شده است از جمله اینکه :

۱ - کسی از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) سؤال کرد: دو فرشته ای که ماءمور ثبت اعمال انسان هستند آیا از اراده و تصمیم باطنی او به هنگام گناه یا کار نیک نیز با خبر می شوند؟

امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود: آیا بوی چاه فاضل آب و عطر یکی است ؟

راوی عرض کرد: نه !

امام (علیه السلام) فرمود: هنگامی که انسان نیت کار خوبی کند نفسش خوشبو می شود! فرشته ای که در سمت راست است (و ماءمور ثبت حسنات می باشد) به فرشته سمت چپ

می گوید: برخیز که او اراده کار نیک کرده است و هنگامی که آن را انجام داد زبان آن انسان قلم آن فرشته ، و آب دهانش مرکب او می شود، و آن را ثبت می کند، اما هنگامی که اراده گناهی می کند نفسش بد بو می شود! ملائکه طرف چپ به فرشته سمت راست می گوید برخیز که او اراده معصیت کرده ، و هنگامی که آن را انجام می دهد زبانش قلم آن فرشته و آب دهانش مرکب او است و آن را می نویسد! <۱۳>

این حدیث به خوبی نشان می دهد که نیت انسان در تمام وجود او اثر می گذارد، و فرشتگان از اسرار درونش بوسیله آثار برون آگاه می شوند، و مسلماً اگر آگاه نباشند نمی توانند اعمال انسان را به خوبی ثبت کنند، چرا که چگونگی نیت در ارزش و خلوص و آلودگی عمل فوق العاده مؤثر است تا آنجا که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث معروفی فرموده : انما الاعمال بالنیات ((اعمال به نیتها بستگی دارد)).

دیگر اینکه معلوم می شود از خود انسان می گیرند و برای او خرج می کنند، زبان ما قلم آنها است ، و آب دهان ما مرکب آنها!

۲ - آنها مأمورند به هنگامی که انسان نیت کار نیک می کند آن را به عنوان یک حسنه ثبت کنند، و هنگامی که آن را انجام می دهد ده حسنه بنویسند، اما هنگامی که تصمیم بر گناه می گیرد تا عمل نکرده چیزی بر او نمی نویسند و بعد از عمل تنها یک گناه

ثبت کنند. <۱۴>

این تعبیر بیانگر نهایت لطف و فضل الهی بر انسان است که نیت گناه را بر او می بخشد، و فعل گناه را بر طبق موازین عدالت جزا می دهد، ولی در مسیر اطاعت هر نیتی حسنه ای است، و هر کار نیکی را بر طبق تفضل پاداش می دهد، نه بر میزان عدل، و این تشویقی است برای انجام اعمال نیک.

۳- در روایت دیگری آمده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از اشاره به وجود این دو فرشته، و نوشتن حسنات با پاداش ده برابر، فرمود هنگامی که انسان کار بدی انجام می دهد، فرشته راست به فرشته چپ می گوید: در نوشتن این گناه عجله مکن شاید کار نیکی بعد از آن انجام دهد که گناه او را بپوشاند همانگونه که خداوند بزرگ می فرماید: ((ان الحسنات یذهبن السيئات)) یا اینکه توبه و استغفار کند (و اثر گناه از میان برود)... و او هفت ساعت از نوشتن کار بد خودداری می کند، و اگر کار نیک یا استغفاری به دنبال آن نیاید فرشته حسنات به فرشته سیئات می گوید بنویس بر این بدبخت محروم!. <۱۵>

۴- در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است: ((هنگامی که مؤمنان در یک مجلس خصوصی با هم سخن می گویند حافظان اعمال، به یکدیگر می گویند

ما از آنها دور شویم، شاید سری دارند که خدا آن را مستور داشته)). <۱۶>

۵- علی (علیه السلام) در یکی از خطبه هایش

که مردم را در آن به تقوی دعوت کرده ، می فرماید: ((بدانید ای بندگان خدا که مراقبانی از خودتان بر شما گماشته شده ، و دیدبانهایی از اعضای پیکرتان ، و نیز بدانید حسابگران راستگو اعمال شما را ثبت می کنند، و حتی شماره نفسهایتان را نگه می دارند، نه ظلمت شب تاریک شما را از آنها پنهان می دارد، و نه درهای محکم و فرو بسته و چه فردا به امروز نزدیک است ! <۱۷> آن روز که هیچکس برای دیگری کاری انجام نمی دهد!

به دنبال بحثی که در آیات گذشته پیرامون ثبت و ضبط اعمال انسانها وسیله فرشتگان آمد، در این آیات به نتیجه این حسابرسی ، و مسیر نهایی نیکان و بدان اشاره کرده ، می فرماید: ((مسلمانیکان در نعمت عظیم الهی هستند)) (ان الابرار لفی نعیم).

((و مسلما بدکاران در دوزخند))! (و ان الفجار لفی جحیم).

((ابرار)) جمع ((بار)) و ((بر)) (بر وزن حق) به معنی شخص نیکوکار است ، و ((بر)) (به کسر باء) به معنی هر نوع نیکوکاری می باشد، و در اینجا هم عقاید نیک را شامل می شود و هم نیت خیر و هم اعمال صالح را!

((نعیم)) ((مفرد)) است و به معنی نعمت می باشد، و در اینجا به معنی بهشت جاودانی است و اینکه به صورت نکره ذکر شده برای بیان اهمیت و گستردگی و عظمت این نعمت است که هیچکس جز خدا وسعت و عظمت آن را به درستی نمی داند، و انتخاب نعیم که صفت مشبیه است در اینجا تاء کیدی است بر بقاء و استمرار این نعمت ، زیرا

این مفهوم معمولاً در صفت مشبّهه نهفته شده است .

((فجار)) جمع ((فاجر)) در اصل از ((فجر)) به معنی شکافتن وسیع است ، و طلوع صبح را به این جهت طلوع فجر می گویند که گویی پرده سیاهی شب با سپیده دم به کلی شکافته می شود، و از همین رو واژه ((فجور)) در مورد اعمال کسانی که پرده عفاف و تقوی را می درند و در راه گناه قدم می گذارند به کار می رود.

((جحیم)) از ماده ((جحم)) (بر وزن فهم) به معنی بر افروختن آتش است ، بنابراین ((جحیم)) همان آتش فروزان و شعله ور است ، و معمولاً در تعبیر قرآن به معنی دوزخ آمده .

و اینکه می فرماید: ((نیکوکاران در بهشت ، و بدکاران در دوزخند)) ممکن است به این معنی باشد که آنها هم اکنون نیز در بهشت و دوزخ وارد شده اند، و در همین دنیا نیز نعمتهای بهشتی و عذابهای دوزخی آنها را فرا گرفته ، همانگونه که در آیه ۵۴ سوره عنکبوت می خوانیم : و ان جهنم لمحیطه بالکافرین : ((دوزخ کافران را احاطه کرده است)).

ولی جمعی گفته اند که اینگونه تعبیرها اشاره به آینده حتمی است ، زیرا در ادبیات عرب آینده حتمی ، و ((مضارع متحقق الوقوع)) را به صورت حال و گاه به صورت ماضی بیان می کنند (معنی اول با ظاهر آیه سازگارتر ولی معنی دوم مناسبتر است).

در آیه بعد توضیح بیشتری درباره سرنوشت فاجران داده ، می افزاید: ((آنها در روز جزا داخل دوزخ می شوند و با آتش آن می سوزند)) (یصلونها یوم الدین

هر گاه معنی آیه گذشته چنین باشد که آنها هم اکنون داخل دوزخند این آیه نشان می دهد که در روز قیامت ورود بیشتر و عمیقتری در این آتش سوزان می یابند و اثر آتش را به خوبی احساس می کنند.

((یصلون)) از ماده صلی (بر وزن سعی) به معنی دخول در آتش و سوختن و برشته شدن و تحمل درد و رنج آن، آمده است، و به حکم اینکه فعل مضارع

است دلالت بر استمرار و ملازمت دارد.

و باز برای تاء کید بیشتر می فرماید: ((آنها هیچگاه از آن غائب و دور نیستند)) (و ما هم عنها بغائبین).

بسیاری از مفسران این جمله را دلیلی بر خلود و جاودانگی عذاب ((فجار)) گرفته اند، و چنین نتیجه گیری کرده اند که منظور از ((فجار)) در این آیات کفارند، چرا که خلود و جاودانگی جز در مورد آنها وجود ندارد، بنابراین فجار کسانی هستند که پرده های تقوی و عفاف را به خاطر عدم ایمان و تکذیب روز جزا دریده اند، نه به خاطر غلبه هوای نفس در عین داشتن ایمان

تعبیر این آیه به صورت ((زمان حال)) باز تاء کیدی است بر آنچه قبلا- اشاره شد که اینگونه افراد در این دنیا نیز به کلی از جهنم غائب و دور نیستند، زندگی آنها خود دوزخی است، و قبرشان نیز طبق حدیث معروف حفره ای از حفره های آتش است، و به این ترتیب دوزخ دنیا، و دوزخ برزخ، و دوزخ قیامت هر سه برای آنها فراهم است.

ضمنا آیه فوق این حقیقت را نیز باز گو می کند که عذاب دوزخیان هیچگونه فترتی

ندارد، و حتی برای ساعت و یا لحظه ای از آن دور نمی شوند.

بعد برای بازگو کردن اهمیت آن روز بزرگ می افزاید: ((تو چه می دانی روز جزا چه روزی است))؟! (و ما ادراک ما یوم الدین).

((باز هم چه می دانی روز جزا چه روزی است))؟! (ثم ما ادراک ما یوم الدین).

جایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با آن آگاهی وسیع از قیامت و علم فوق العاده او نسبت به مبداء و معاد، حوادث آن روز بزرگ و اضطراب و وحشت عظیمی را که بر آن حاکم است به خوبی نداند تکلیف بقیه روشن است.

این سخن بیانگر این واقعیت است که ابعاد حوادث هولناک قیامت آنقدر گسترده و عظیم است که با هیچ بیانی قابل توصیف نیست، و همانگونه که ما زندانیان عالم خاک از نعمتهای بی پایان بهشت به درستی آگاه نیستیم، از عذاب جهنم، و به طور کلی حوادث آن روز بزرگ نیز نمی توانیم آگاه شویم.

سپس در یک جمله کوتاه و پر معنی یکی دیگر از ویژگیهای آن روز را که در حقیقت همه چیز در آن نهفته است مطرح کرده، می فرماید: ((همان روزی که هیچکس قادر بر انجام کاری در حق دیگری نیست، و همه امور در آن روز از آن خدا است)) (یوم لا تملک نفس لنفس شیئا و الامر یومئذ لله).

البته در این جهان نیز همه کارها به دست قدرت او است، و همگان به او نیازمندند، ولی در اینجا به هر حال مالکان و حاکمان و فرمانروایان

صوری وجود دارند که گاهی افراد سطحی و ناآگاه آنها را مبداء قدرت مستقلى مى پندارند، ولی در آن روز این مالکیت و حاکمیت صوری و مجازی نیز بر چیده مى شود، و حاکمیت مطلقه خداوند و مالکیت او بر هر چیز از هر زمان آشکارتر است

این همان است که در آیات دیگر قرآن نیز آمده : لمن الملك اليوم

لله الواحد القهار ((حکومت امروز برای کیست ؟ برای خداوند یکتای غالب)) (مؤ من - ۱۶).

اصولا در آن روز هر کس به قدری گرفتار خویش است که اگر به فرض قدرتی هم می داشت به دیگری نمی پرداخت : لکل امری ء منهم یومئذ شان یغنیه : ((هر کدام از آنها در آن روز گرفتاریهایی دارد که برای او کافی است))! (عبس - ۳۷).

در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم : ان الامر یومئذ و الیوم کله لله ،... اذا کان یوم القیامه بادت الحکام فلم یبق حاکم الا الله : ((همه کارها ((امروز)) و ((آن روز)) به دست خدا است ... ولی هنگامی که روز قیامت می شود تمام حاکمان از میان می روند و هیچ حکومتی جز حکومت خدا باقی نمی ماند)). <۱۸>

در اینجا سؤال مطرح است که آیا این تعبیر با مساءله ((شفاعت)) انبیا و اولیا و فرشتگان منافات ندارد؟.

پاسخ این سؤال از بحثهایی که سابقا در مساءله شفاعت کرده ایم روشن می شود، و آن اینکه قرآن در آیات متعددی تصریح می کند که شفاعت نیز به اذن و اجازه خدا است ، و شفیعان روز جزا جز به رضای او برای

کسی شفاعت نمی کنند: و لا یشفعون الا لمن ارتضى (انبیا - ۲۸).

خداوندا! در آن روز هولناک چشم همه به تو دوخته شده ما هم امروز

نیز چشم به سوی تو داریم .

پروردگارا! ما را در این جهان و در آن جهان از الطاف بی پایانت محروم مگردان .

بارالها! در همه حال حاکم مطلق تویی ، ما را از گرفتاری در وادی شرک و پناه بردن به دیگران حفظ فرما.

(آمین یا رب العالمین)

تفسیر مجمع البیان

آشنایی با این سوره در برابر سوره دیگری قرار داریم، و برای آشنایی با آن به این نکات می نگریم:

۱ - نام این سوره این سوره مبارکه «انفطار»، به معنی شکافته شدن نام دارد و این نام برای این سوره از نخستین آیه از آیات این سوره برگرفته شده است.

۲ - فرودگاه این سوره این سوره در مکه بر جان نورانی محمد «ص» فرود آمده است. این مطلب را هم مفسران و محدثان و مورخان گواهی می کنند و هم آهنگ و حال و هوا و مفاهیم آیات این سوره.

۳ - شمار آیه ها و واژه ها و حروف آن این سوره مبارکه از ۱۹ آیه، ۸۱ واژه، و ۲۲۷ حرف پدید آمده است.

۴ - پاداش تلاوت این سوره از پیامبر گرامی آورده اند که در این مورد فرمود:

من قرأ اعطاه الله من الاجر بعدد كل قبر حسنه و بعدد كل قطره مائه حسنه و اصلح الله شأنه يوم القيامة. (۶۹)

کسی که این سوره را تلاوت کند، خدا به شمار هر گوری یک پاداش و به شمار هر قطره ای صد پاداش به او ارزانی می دارد، و

روز رستاخیز کار او را سامان خواهند داد.

و نیز از حضرت آورده اند که فرمود:

من قرأ هاتين السورتين «إذا السماء انفطرت» و «إذا السماء انشقت» و جعلهما نصب عينه في صلاة الفريضة و النافلة لم يحجبه من الله حجاب، ولم يحجزه من الله حاجز، ولم يزل ينظر الى الله و ينظر الله اليه حتى يفرغ من الحساب (۷۰)

هر کس دو سوره «انفطار» و «انشقاق» را تلاوت کند و آن دو را در نماز فريضة و نافله در برابر دیدگان خود قرار دهد، همه موانع و حجاب ها میان او و خدا برداشته می شود، و همه فاصله ها کنار می رود و با چشم دل و اندیشه، او را می نگرد و در مورد او می اندیشد تا از حسابرسی نجات یابد.

۵ - دور نمایی از مفاهیم این سوره محور بحث در این سوره، موضوع حساب رستاخیز و رویدادهای تکانه‌دهنده ای است که در پایان عمر جهان و در آستانه رستاخیز رخ خواهد گشود.

در آیات نوزده گانه این سوره این مفاهیم به تابلو می رود:

روزی که عمر جهان به پایان می رسد،

روز رویارویی انسان با عملکرد ریز و درشت خویش،

بلای غرور و غفلت و منشأ آن،

نگرش دیگر به آفرینش شگفت انگیز انسان،

تکذیب حساب و حسابرسی رستاخیز یا راز اصلی غفلت و غرور، فرشتگان نویسنده اعمال،

ثبت و ضبط عملکردها،

فرجام شکوهبار کمال طلبان و شایسته کرداران،

پایان شوم تاریک اندیشان و سیاهکاران،

اهمیت و عظمت روز رستاخیز،

افول و پایان همه قدرت های ظاهری و پوشالی، و نکات ظریف و درس آموز دیگری که خواهد آمد.

۱ - آن گاه که آسمان شکافته شود،

۲- و آن گاه که ستارگان پیراکنند،

- ۳

و آن گاه که دریاها [را درهم نوردند و] روان سازند،

۴- و آن گاه که گورها زیر و رو شوند،

۵- [آری، آن روز] هر کس آن چه را پیش فرستاده و [یا] باز پس نهاده است بداند.

۶- هان ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار ارجمندت مغرور ساخته است؟

۷- [در برابر] همان کسی که تو را آفرید و [اندام تو را درست کرد و به تو نظام بخشید.

۸- [و] به هر صورتی که خواست تو را ترکیب داد.

۹- نه، چنین نیست [که شما به آفت غرور گرفتار باشید] بلکه روز پاداش و کیفر را نیز دروغ می شمارید.

۱۰- و بی تردید نگهبانان بر شما گمارده شده اند:

۱۱- [فرشتگان بزرگواری که نگارشگر [عملکرد شما] هستند،

۱۲- [و] آنچه انجام می دهید می دانند.

۱۳- به یقین نیکان در نعمتی ماندگارند،

۱۴- و بی تردید بدکاران در دوزخ خواهند بود.

۱۵- روز پاداش و کیفر به آتش آن می سوزند.

۱۶- و هرگز از [عذاب آن، دور نخواهند بود.

۱۷- و تو [ای انسان!] چه می دانی که روز پاداش و کیفر چیست؟

۱۸- باز هم تو چه می دانی روز پاداش و کیفر چیست؟

۱۹- روزی است که هیچ کس صاحب اختیار چیزی برای کسی نیست، و فرمان [و فرمانروایی آن روز از آن خداست.

نگرشی بر واژه ها

انفطار: این واژه به معنی شکاف برداشتن و پاره گردیدن و شکافته شدن است، نظیر دو واژه «انشقاق» و «انصداع». واژه «انفطرت» در آیه از این ماده است.

به معنی پراکنده شدن آمده است. واژه «انتثرت» در آیه از ماده «نثر» و از همین ریشه است.

تفجیر: به معنی انفجار و از هم شکافتن آمده است. واژه «فجور» نیز از این ریشه و به معنی شکافتن مرزها و بیرون رفتن از چارچوب قانون و مقررات و بدکاری و گناه آمده است. واژه «فجر» نیز از همین ماده، و به معنی شکافتن تاریکی و بردمیدن روشنایی از دل آن آمده است.

بعثت: به معنی زیر و رو شدن و واژگونه گردیدن آمده است.

غرور: از ماده «غرور» به معنی آشکار ساختن چیزی از روی نادانی و پندار آمده، و به غفلت - به هنگامه بیداری و هشجاری - گفته می شود. واژه «غزک» در آیه از همین ماده و «کاف» ضمیر خطاب است.

کلا: حرف ردع و برای نفی و انکار چیزی است که توهم شده است.

تفسیر

روزی که عمر این جهان به پایان می رسد

سوره پیش با یادآوری گوشه ای از رویدادهای هراس انگیز روز رستاخیز و سرای آخرت به پایان رسید، اینک این سوره نیز در همین مورد است و همین هدف را پی می گیرد.

در آغازین آیه این سوره می فرماید:

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ آن گاه که آسمان شکافته و پاره پاره شود.

آیه مورد بحث، بسان این آیه است که می فرماید:

و یوم تشقُّ السَّمَاءُ بالْغَمَامِ... (۷۱)

و روزی که آسمان با ابری سپید از هم بشکافتد و فرشتگان فرو فرستاده شوند.

آن گاه می فرماید:

وَ إِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ

و آن گاه که ستارگان فرو پاشند و پراکنند،

از دیدگاه «ابن عباس» منظور این است که: آن گاه که ستارگان فرو پاشند

و تیره و تار گردند.

سپس می افزاید:

وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ

و آن گاه که دریاها درهم نوردیده شوند، و به هم پیوسته گردند.

به باور «قتاده» و «جبایی» منظور این است که: و آن گاه که دریاها با درهم ریختن فاصله ها و موانع یکپارچه گردند و آب های شور و شیرین به هم بیوندند.

اما به باور پاره ای، و آن گاه که دریاها خشک گردند و دیگر آبی در آنها نماند.

و نیز می افزاید:

وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ و آن گاه که گورها زیر و رو شوند و مردگانی که در دل آنها خفته و پوسیده اند سر بر آورند.

از دیدگاه «ابن عباس» و «مقاتل» منظور این است که: و آن گاه که با زیر و رو شدن گورها و کنار رفتن خاک ها از روی استخوان های پوسیده مردگان زنده شوند و در آستانه رستاخیز به پاخیزند.

در آیه بعد می فرماید:

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَ أَخَّرَتْ

آری، آن گاه است که هر کسی آنچه را انجام داده است و یا بنیاد آن ها را نهاده و رفته است می یابد و می داند.

آیه مورد بحث بسان این آیه است که می فرماید:

يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ أَخَّرَ (۷۲)

در آن روز انسان را از تمام کارهایی که از پیش یا پس فرستاده است آگاه می کنند.

به باور «ابن مسعود» منظور این است که: آن روز هر انسانی با همه کارهای شایسته ای که انجام داده و یا سنت و روش شایسته و ظالمانه ای که نهاده و رفته است و دیگران به آن عمل نموده اند، بی آن که از پاداش و گناه اینان کاسته شود، با همه اعمال خود رو به

رو خواهد شد، و پاداش و کیفر همه را دریافت خواهد داشت.

این دیدگاه را روایت رسیده تأیید می کند که: روزی مرد بینوایی در برابر گروهی ایستاد و کمک خواست.

حاضران به او پاسخی ندادند و سکوت کردند، اما در آن سکوت سنگین مردی برخاست و به آن بینوا کمک کرد و از پی او دیگران ترغیب شدند و با کمک های خود آن مرد فقیر رابه نوا رساندند. پیامبر گرامی در مورد این رویداد فرمود:

من استن خیراً فاستن به فله اجره، و مثل اجور من اتبعه من غیر منتقص من اجورهم، و من استن شراً فاستن به فعلیه و زره، و مثل اوزار من اتبعه غیر منتقص من اوزارهم. (۷۳)

کسی که سنت و روش مترقی و آزادمنشانه ای را بنیاد گذارد و دیگران به راه او بروند، هم پاداش خود را دارد و هم پاداشی همانند پاداش کسانی که از او پیروی نموده اند؛ آن هم بدون آنکه از پاداش عاملان آنها کاسته شود. و نیز کسی که سبک و شیوه ای ظالمانه و ناپسند را بر جای گذارد و بدان عمل کند، گناه خود و گناهی همانند عمل کنندگان به آن روش پس از خود را، بدون آنکه چیزی از کیفر گناه گناهکاران کاسته شود. آن گاه «حذیفه» به تلاوت آیه مورد بحث پرداخت که: عَلِمْتُ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ وَ أَخَّرْتُ أَرَى، آن گاه است که هر کسی آنچه را انجام داده است و یا بنیاد آن ها را نهاده و رفته است می یابد و می داند.

در ادامه سخن در همین مورد و همین موضوع روی سخن را به انسان می کند و در قالب دیگری می فرماید:

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ

ما عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ هان ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار ارجمند و توانایت مغرور ساخته است؟

راستی چه عامل و انگیزه ای تو را فریفت و زشت را زیبا و باطل را حق و بیداد را، در نظرت دادگری جلوه داد تا او را نافرمانی کنی و به گناه دست یازی؟!

از پیامبر گرامی آورده اند که به هنگام تلاوت این آیه می فرمود: «عَرَّ جَهْلُهُ» نادانی و ناآگاهی انسان او را در برابر خدای توانا و زندگی بخش به ورطه غرور و غفلت کشاند. (۷۴)

در مورد واژه «کریم»، که در آیه شریفه به عنوان وصف پروردگار انسان به کار رفته، دیدگاه ها متفاوت است:

۱ - به باور پاره ای از دانشمندان «کریم» آن نعمت بخش و ارزانی دارنده نعمتی است که همه کارهای او نیکی و احسان است و در هر کاری سود می رساند و یا زیانی را برطرف می سازد.

۲ - امّا به باور پاره ای دیگر، منظور از آن، بخشنده ای است که افزون بر حقوق قانونی دیگران، حقوق اخلاقی آنان را نیز محترم می شمارد و در پرتو کرم و فضل خویش - افزون بر آنچه در خور آن هستند - به آنها نعمت می بخشد و حقوق خویش را از آنان نمی طلبد و در اندیشه سود و یا دفع زیان نیست.

۳ - از دیدگاه برخی، منظور کسی است که اندک انجام وظیفه را می پذیرد و پاداشی پرشکوه می دهد.

۴ - و از دیدگاه برخی دیگر منظور آن خدایی است که در صورت توبه و اصلاح خود از سوی بنده، به بخشایش گناهان بسنده نمی کند، بلکه گناهان آنان را به ثواب و پاداش تبدیل می سازد.

از «فضیل» پرسیدند، که اگر در روز رستاخیز خدای دادگر تو را در برابر دادگاه آن روز برپا نگاه دارد بپرسد: «ما غرّک بریک الکریم؟» هان ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار ارجمندت مغرور ساخت، چه پاسخی خواهی داد؟

او گفت: در پاسخ خواهم گفت: «غرّنی ستورک المرخاه» پرده هایی که بر گناهانم افکندی و آنها را پوشاندی!

«یحیی بن معاذ» می گوید: اگر خداوند در روز رستاخیز مرا در برابر دادگاه خود نگاه دارد و این پرسش را طرح کند، خواهم گفت: «غرّنی بک بک بی سالفاً و آنفاً» احسان و نیکی تو در گذشته و حال مرا مغرور ساخت.

و پاره ای نیز برآند که: خواهم گفت: بردباری و مدارای تو مرا مغرور ساخت «غرّنی حلمک».

و «ابوبکر وراق» می گوید: خواهم گفت: کرامت و فزون بخشی خدای بخشاینده مرا مغرور ساخت.

«ابن مسعود» می گوید: هیچ انسانی نخواهد بود، جز اینکه در روز رستاخیز خدای فرزانه او را سؤال باران می کند و می پرسد: هان ای فرزند انسان! چه چیز تو را نسبت به من مغرور ساخت؟ چرا آنچه را آموختی به کار نبستی؟ چرا دعوت پیامبران مرا لبیک نگفتی؟ و پرسش هایی از این گونه...

از امیرمؤمنان آورده اند که فرمود: «کم مغرور بالستر علیه و مستدرج بالأحسان الیه» (۷۵)

چه بسیار انسان های مغروری که با مهر و گناه پوشی او به جای بیداری بیشتر به خواب غفلت و غرور گرفتار می گردند! و چه بسیار کسانی که در احسان و نعمت دهی او غرق می شوند و توبه و جبران و اصلاح خویش را به تأخیر می افکنند و سرانجام گرفتار می شوند!

در ادامه آیات در این مورد می فرماید:

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ

فَعِدْلَكَ رَاسْتِي چِه چيز تو را در برابر پروردگارت مغرور ساخت؟ در برابر همان کسی که تو را از نطفه ای بی مقدار آفرید و اندام و دستگاه های وجود تو را درست کرد و نظام بخشید؟

به باور «مقاتل» منظور این است که: چه چیز تو را در برابر آن قدرتی مغرور ساخت که تو را در بهترین چهره و شکل با ارزانی داشتن دو چشم، دو گوش، دو دست و دو پا نظام بخشید و همه آن اعضا و اندام ها را هماهنگ با یکدیگر و متناسب با مجموعه دنیای وجودت قرار داد و با زیبایی ویژه ای سامان بخشید؟

آن گاه می افزاید:

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ وَ بَه هِر صُورَتِي كِه خُوَاسْت وَ شَايَسْتِه دِيده تو را ترکیب داد.

به باور «مجاهد» منظور این است که: و به هر صورتی که خواست و به هر کدام از پدر و مادر و یا عمو و دایی ات که خواست شباهت بخشید.

حضرت رضا به وسیله پدران از پیامبر آورده است که: به مردی فرمود: تو فرزندی نداری؟ او پاسخ داد: نه، امّا چقدر امیدوارم که خدا دختر و یا پسری به من ارزانی دارد.

پیامبر فرمود: آن گاه می خواهی فرزندی به چه کسی شباهت داشته باشد؟

گفت: به مادر و یا پدرش. پیامبر فرمود:

لَا تَقُلْ هَكَذَا، اِنَّ النُّطْفَةَ اِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الرَّحْمِ احْضَرَهَا اللهُ كَلَّ نَسَبٍ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ اٰدَمَ، اَمَّا قُرْاَتُ هَذِهِ الْاَيَةِ: فِي اَيِّ صُورَةٍ مَا شَأْ رَكَّبَكَ؟ (٧٦)

چنین سخنی مگو، چرا که وقتی نطفه در قرارگاه خود قرار می گیرد، خدا همه کسانی را که میان او تا آدم واسطه هستند حاضر می سازد، و آن گاه

او را شبیه به هر کدام خواست نظام می بخشد. آیا این آیه را نخوانده ای که می فرماید: ذات بی همتای او به هر صورتی که خواست تو را ترکیب داد؟

به باور برخی منظور این است که: خدا به هر صورتی که خواست تو را پدید آورد؛ به صورت انسان یا حیوان...

از امام صادق آورده اند که فرمود: اگر خدا می خواست تو را به صورت دیگری می آفرید، امّا ذات بی همتای او تو را در بهترین سیما و برترین سیرت پدید آورد و هیچ حیوانی را بسان تو انسان نیافرید، چرا که به تو چهره ای زیبا و موزون و سیرتی حقگرا و کمال جو داد.

و از دیدگاه پاره ای منظور این است که خدا به هر صورتی اراده فرمود، پدید آورد، به صورت مرد یا زن، چاق یا لاغر، زشت و یا زیبا، بلند قامت و یا کوتاه.

پس از این مرحله در اشاره به راز غرور و غفلت زدگی انسان می فرماید:

كَلَّا

نه، هرگز آن گونه که شما می پندارید نیست که رستاخیز و حسابرسی در کار نباشد، هرگز!

با این همه دلیل و برهان، دیگر جای انکار برای فرارسیدن رستاخیز و قطعی و تردیدناپذیر بودن معاد نمی ماند.

بَلْ تُكذَّبُونَ بِالذِّينِ آری، نه فضل و کرامت پروردگارتان مایه غرور و فریب شماست، و نه نعمت های بی شمار او، بلکه شما افزون بر غرور و غفلت، روز پاداش و کیفر را دروغ می شمارید و انکار می کنید.

به باور «جبایی» منظور این است که: شما دین و آیینی را که محمد(ص) از سوی خدایتان آورده است دروغ می انگارید.

در آیه بعد به منظور هشدار از بدمستی و غفلت و برای بیداری

و مسئولیت پذیری آنان می فرماید:

وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ و بی گمان نگهبانانی بر عملکرد شایسته و خدا پسندانه، یا نافرمانی و بیدادگری شما گمارده شده است.

در آیه بعد در وصف فرشتگان مراقب انسان و نویسنده اعمال او می فرماید:

كَرَامًا كَاتِبِينَ فرشتگانی گرانقدر و بزرگواری که همواره و بدون درنگ اندیشه و عملکرد شایسته و یا ناشایسته انسان ها را می نگارند و ثبت می کنند.

و آنچه را انجام می دهید از درست و نادرست و نیک و بد، همه را می دانند، و همه را می نگارند، تا چیزی از آنها بر شما پوشیده نماند.

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ به باور پاره ای منظور این است که: فرشتگان از عملکرد دلخواه و آگاهانه انسان ها و نیز از کارهای ناخواسته و اضطراری آنان آگاهند و همه را می دانند.

اما به باور پاره ای دیگر منظور این است که: فرشتگان از عملکرد ظاهری انسان آگاهند.

گفتنی است که آیه شریفه نشانگر این واقعیت ظریف است که عملکرد انسان ها پدیده هایی هستند، که به دست او پدید می آیند و خود انسان نیز پدیده است، و این تنها ذات بی همتای خداست که پدیدآورنده و تدبیرگر جهان و انسان است، و به همین دلیل است که می فرماید:

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ و آنچه را انجام می دهید، همه را می دانند، و می نگارند، تا چیزی از آنها بر شما پوشیده نماند.

فرجام شایسته کرداران و تاریک اندیشان پس از هشدار از ثبت و ضبط عملکردها به وسیله فرشتگان، اینک در بیان فرجام سرنوشت ها و پایان کارها، سخن را به سرنوشت نیک اندیشان و شایسته کرداران می کشد و می فرماید:

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ بی تردید درست

اندیشان و نیکوکاران در بهشت پر نعمت و پر طراوت خواهند بود.

منظور از واژه «ابرار» نیکان و فرمانبرداران بارگاه خدا هستند؛ کسانی که در زندگی به مقررات خدا و حقوق انسان ها سخت بها می دهند.

آن گاه در مورد فرجام سیاه و عبرت انگیز و عبرت آموز تاریک اندیشان و پایمال کنندگان حقوق و کرامت و آزادی انسان ها می افزاید:

وَ إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ و بی گمان بداندیشان و بدکرداران در آتش شعله ور دوزخ و در کوهی سهمگین از آتش خواهد بود.

منظور از «فُجَّار» کفر گرایان و زشت کردارانی هستند که دعوت توحیدی و بشردوستانه پیامبر را - با آن روشنی و زیبایی - تکذیب می کردند.

و می افزاید:

يَصِيلُونَهَا يَوْمَ الدِّينِ آنان در روز رستاخیز به کیفر عملکرد زشت و ظالمانه خویش وارد آتش شعله ور دوزخ خواهند شد و در آن خواهند سوخت.

و باز می افزاید:

وَ مَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ و آنان هرگز از آن آتش سوزان و عذاب دردناک دور و غایب نخواهند بود؛ بلکه همواره در آن حضور دارند و برای همیشه در آن خواهند سوخت، و ماندگار خواهند بود.

قرآن و روایات، نشانگر آن است که ایمانداران و مسلمانان گناهکار کیفر عملکرد زشت و ظالمانه خود را خواهند چشید، اما در آتش دوزخ ماندگار نخواهد بود؛ چرا که قرآن می فرماید: بل تکذوبون بالدین (۷۷) نه، شما تنها غرق در غرور و غفلت نیستید، بلکه روز پاداش و کیفر را تکذیب می کنید و دروغ می شمارید.

با این بیان بهتر است این ماندگاران در آتش دوزخ را «فُجَّار» و تکذیب کنندگان روز رستاخیز و بهشت و دوزخ بدانیم؛ چرا که وقتی این دیدگاه

مطرح و ممکن است، نمی توان آیه را به معنی همه گناهکاران گرفت.

در آیه بعد در نشان دادن عظمت و اهمیت آن روز سهمگین می فرماید:

وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ وَ تَوَايَ انْصَانِ! چه می دانی که روز پاداش و کیفر چیست و چه روزی است؟

از کجا از سختی های آن آگاهی و از رویدادهایش خبر داری؟

آن گاه در جهت نشان دادن هول و هراس و بیم و امیدهای آن، دگرباره می فرماید:

ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ باز هم تو ای انسان! چه می دانی روز پاداش و کیفر چیست و چه روزی است؟

به باور «جایی» در آیه نخست بر آن است که به نعمت های پرشکوه بهشت توجه دهد، و در آیه دوم به عذاب هراس انگیز و آتش شعله ور دوزخ که برای بدکاران آماده شده است.

و سرانجام در آخرین آیه مورد بحث که پایان بخش این سوره نیز هست، در بیان یکی از ویژگی های آن روز بزرگ می فرماید:

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

روز کیفر و پاداش، روزی است که هیچ کسی اختیار هیچ چیزی را برای دیگری ندارد.

روز رستاخیز روزی است که کسی توان دفاع از دیگری را ندارد و تنها در اندیشه نجات خویش است و بسان دنیا نیست که زورمداران از اراذل و اوباش و جلادان و نوکران رو سیاه خویش دفاع کنند و جنایت آنان را توجیه و الأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ و کارها آن روز، همه و همه تنها از آن خداست.

آری، آن روز داوری میان بندگان و پایان دادن به کشمکش ها، گرفتن داد مظلوم از ظالم، ارزانی داشتن

پاداش به نیکان و عدالت خواهان و عفو و بخشایش گناهکاران، تنها از سوی خداست و بس.

از حضرت باقر آورده اند که فرمود:

انّ الامر یومئذ و الیوم کلّه لله. یا جابر! اذا کان یوم القیامه بادت الحکام فلم یبق حاکم اِلَّا اللهُ (۷۸)

هان ای جابر! همه کارها، امروز و فردای قیامت از آن خدا و به دست اوست، اما هنگامی که رستاخیز فرارسد همه حاکمان و قدرتمداران نابود می گردند و حکومتی جز حاکمیت خدا نخواهد ماند.

از دیدگاه «مقاتل» منظور این است که: آن روز هیچ کس اختیار چیزی را به سود کفرگرایان ندارد.

به نظر می رسد معنای درست و منطقی آیه این باشد که: در این جهان خدای فرزانه نظام و برنامه ای مقرر فرموده است که بسیاری از مردم صاحب اختیار امور و احکامی هستند و در جهت عدالت و آزادی و یا ستم و تحمیل، کارهایی را انجام می دهند؛ اما در روز رستاخیز دیگر هیچ فرمانروایی و فرماندهی نیست و همه کارها در دست توانای فرمانروای دنیا و آخرت است.

ممکن است برخی پیام و مفهوم این آیه را با موضوع شفاعت ناسازگار پندارند و چنین فکر کنند که وقتی در روز رستاخیز از هیچ کس کاری ساخته نیست، پس شفاعت نیز نخواهد بود.

اما باید توجه داشت که شفاعت، به وسیله پیامبر و امامان معصوم با اجازه خدا و رضایت ذات پاک اوست و نه خارج از آن، (۷۹) و در این صورت خود شفاعت از تدبیر خداست.

پرتوی از سوره مبارکه در آیات نوزده گانه ای که گذشت این نکات بیدارگر در خور تعمق بسیار است:

آیات این سوره، نشانگر آن است که در پایان عمر این جهان و در آستانه رستاخیز، این نظام هستی از هم فرو می پاشد، چرا که وقتی آسمان شکافته شود،

ستارگان پراکنده گردند،

دریاها روان و یکپارچه شوند،

کوه ها زیر و رو شوند، راستی در آن شرایط جز این است که از این نظام هستی جز تیرگی و انهدام چیزی نمی ماند، و جهان به پایان عمر خویش می رسد؟ (۸۰)

۲- روزی رو به رو شدن با عملکردها

انسان در زندگی این جهان می تواند عملکردهای مثبت و نیک خود را به نمایشگاه برد و هر لحظه در چشم انداز دیگران قرار دهد و از گناه کوهی بسازد. همچنین می تواند با سوء استفاده از قدرت و امکانات و رسانه های انحصاری جنایت های دهشتناک خود را محرمانه و فوق محرمانه و فوق سری اعلام دارد، و با نپنهان کاری اجازه روشن شدن آنها را ندهد؛ درست همان سان که بیدادگران و رژیم های استبدادی و پایمال کنندگان حقوق بشر می کنند. و نیز ممکن است انسان تاریک اندیش و مرگ طلب هم نباشد، اما کارهای خود را فراموش کند، اما در روز رستاخیز همه انسان ها به یکباره با کارهای خورد و کلان و آشکار و نهان و پنهان کاری و پنهان کاری خویش رو به رو می گردند!

این جاست که فرد و جامعه و حکومت درست اندیش در صورت ایمان به آن روز بزرگ، باید به گونه ای رفتار کند که با رو شدن نهانکاری ها و سیاست های محرمانه اش بتواند از خود دفاع کند و آبرومند باشد و نه در افکار عمومی رسوا گردد. علمت نفس ما قدمت و آخرت. (۸۱)

۳- آفت غرور و غفلت و راز گرفتار آمدن به

قرآن در این آیات به انسان از بلای غرور و غفلت و مستی ها و پستی های آن هشدار می دهد، و روشنگری می کند که انگیزه سقوط در چاه ویل غرور و خودکامگی بسیار است، از آن جمله، ثروت باد آورده و بی حساب و کتاب،

قدرت و حکومت محاسبه ناپذیر و مطلقه،

تملق و چاپلوسی و بت تراشی از صاحبان قدرت،

جوانی و حال و هوای جوانی،

نعمت زدگی و رفاه زدگی،

دوستی و دشمنی افراطی و نابخردانه،

آری، هر کدام از این ها انسان را مغرور و خودکامه می سازد و به مستی و پستی می کشد؛ اما راز اصلی و اساسی خودسری و غرور، باور نداشتن حساب و حسابرسی و محاسبه ناپذیری است.

به همین دلیل اصل نقد پذیری و محاسبه پذیری قدرت ها و حکومت ها و جامعه ها و نیز تک تک انسان ها می تواند انسان را از گرفتار آمدن در کمند غرور و غفلت در دنیا و آتش دوزخ در سرای آخرت باز دارد.

امیرمؤمنان به هنگام تلاوت این آیه، در تفسیر آن در فرازهایی تکانهنده و بهت آور از جمله فرمود:

أَدْحَضُ مَسِيئُولٍ حُجَّهً، وَ أَقْطَعُ مُعْتَرِّ مَعْدِرَةً، لَقَدْ أَبْرَحَ جَهَالَهُ بِنَفْسِهِ. يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا جَزَأَكَ عَلَى ذَنْبِكَ، وَ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ، وَ مَا أَنَسَكَ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ؟ أَمْ يَا مِنْ دَائِكَ بُلُولٌ، أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمَتِكَ يَقْظُهُ، أَمْ مَا تَزْحَمُ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَزْحَمُ مِنْ غَيْرِكَ؟ فَلَرُبَّمَا تَرَى الضَّاحِيَ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ فَتَظْلُهُ، أَوْ تَرَى الْمُتَبَتِّلِي بِسَأَلِ الْمُبْتَلَى بِسَأَلِمْ يُمِضُ جَسَدَهُ فَتَبْكِي رَحِمَةً لَهُ! فَمَا صَبَّرَكَ عَلَى دَائِكَ وَ جَلَدَكَ عَلَى مُصَابِكَ، وَ عَزَّاكَ عَنِ الْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِكَ وَ هِيَ أَعَزُّ الْأَنْفُسِ عَلَيْكَ! وَ كَيْفَ لَا يُوقِظُكَ خَوْفُ بَيَاتِ

نَقَمَهُ، وَقَدْ تَوَزَّطَتْ بِمَعَاصِيهِ مَدَارِجَ سَطَوَاتِهِ!

دلیل و برهان گناهکار، نادرست ترین برهان ها است و عذرش از توجیه و بهانه تراشی هر فریب خورده ای بی اساس تر، و خوشحالی اش از ناآگاهی است.

هان ای انسان! چه چیز تو را بر گناه جسارت داد؟ و در برابر پروردگارت مغرورت ساخت؟ و بر نابودی خود علاقه مند کرد؟ آیا بیماری تو را درمان و شفایی نیست؟ و خواب زدگی و غفلت تو بیداری ندارد؟ چرا آن گونه که به دیگران رحم می کنی، به خود رحم نمی کنی؟

چه بسیار کسی را در آفتاب سوزان می بینی و بر او سایه می افکنی، یا بیماری را می نگری که سخت ناتوان است و از روی دلسوزی بر او اشک می ریزی، امّا چه چیز تو را بر بیماری خود بی تفاوت کرده است؟ و بر مصیبت های خود شکیبیا و از گریه بر حال خویشتن باز داشته است؟ در حالی که هیچ چیز برای تو عزیزتر از جانت نیست! چگونه ترس از فرود آمدن بلا، شب هنگام تو را بیدار نکرده است؟ که در گناه غوطه ور شده و در پنجه قهر خدا گرفتار شده ای؟

آن گاه در بیان راه نجات از این بلا می افزاید:

فَتَدَاوِ مِنْ دَاءِ الْفُتْرَةِ فِي قَلْبِكَ بِعَزِيمَةٍ، وَ مِنْ كَرَى الْغَفْلَةِ فِي نَاطِرِكَ بِبِقْظَةٍ، وَ كُنْ لِلَّهِ مُطِيعاً، وَ بِحَذَرٍ أَنْسَاءً، وَ تَمَثَّلْ فِي حَالِ تَوَلُّيكَ عَنْهُ إِقْبَالَهِ عَلَيْكَ، يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ، وَ يَتَغَمَّدُكَ بِفَضْلِهِ، وَ أَنْتَ مُتَوَلِّئٌ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَتَعَالَى مِنْ قُوَى مَا أَكْرَمَهُ وَ تَوَاضَعْتَ مِنْ ضَعِيفٍ مَا أَجْرَأَكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَ أَنْتَ فِي كَنْفِ سِتْرِهِ مُقِيمٌ... (۸۲)

اینک به پاخیز و سستی دل را با

استقامت درمان کن، و خواب زدگی چشمانت را با بیداری؛ اطاعت خدا را بپذیر، و با یاد خدا انس گیر، و یاد آر که تو از خدا روی گردانی و در همان لحظه او روی به تو دارد، و تو را به عفو و بخشایش خویش می خواند، و با کرامت خویش می پوشاند! در حالی که تو از خدا بریده و به غیر او روی آورده ای! پس چه توانا و گرانقدر است خدای تو! و چه ناتوان و بی مقداری تو انسان، که بر عصیان او جرأت داری، در حالی که او تو را در پرتو نعمت خود قرار داده، و تو در سایه مهر و رحمت او آرمیده ای!...

و نیز در آیاتی که گذشت این نکات در خور طرح و بحث است که فرصت دیگری می طلبد:

۴ - ثبت و ضبط اعمال انسان به وسیله فرشتگان مراقب،

۵ - هشدار از حضور اعمال،

۶ - سرنوشت های نیکان و زشتکاران،

۷ - عظمت روز رستاخیز و ویژگی های آن روز.

تفسیر اطیب البیان

سوره انفطار ، غرض سوره :توصیف روز قیامت و ذکر علائم آن .

(۱) (اذا السماء انفطرت): (وقتی که آسمان بشکافت)

(۲) (و اذا الكواكب انتثرت): (و وقتی که ستارگان پراکنده شوند)

(۳) (و اذا البحار فجرت): (و وقتی که دریاها به هم متصل گردد)

(۴) (و اذا القبور بعثرت): (و زمانی که گورها زیر و رو شود و مردگان از آن بیرون شوند)

(۵) (علمت نفس ما قدمت و اخرت): (در آن روز هر کس داند که چه اعمالی کرده و یا نکرده) می فرماید: در روز قیامت که آسمان شکافته و منشق می شود و ستارگان هر یک از مدار خود

خارج شده و پراکنده و متفرق می شوند و زمانیکه دریاها طغیان کرده و بهم متصل می گردند و آن زمانی که خاک قبرها منقلب و زیر و رو می شود و انسانهای مرده از گور بیرون آورده می شوند تا به جزای خود برسند، در آن زمان است که هر نفسی به آن اعمالی که خودش در دنیا انجام داده و سنتهایی که از خودش باقی گذاشته علم تفصیلی می یابد و حقیقت آن را درک می کند.

(۶) (یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم): (ای انسان ، چه چیزی تو را به پروردگار کریمت مغرور کرده ؟)

(۷) (الذی خلقک فسویک فعدلک): (پروردگاری که تو را آفریده و ساخته و پرداخته و تناسب داده است)

(۸) (فی ای صوره ما شاء رکبک): (و به هر صورتی که خواسته ترکیب کرده) این آیات ، انسان را مورد عتاب قرار داده و منظور از این انسان افراد منکر معاد و روز جزا هستند و معلوم است که انکار روز جزا ملازم انکار تشریح دین و انکار ربوبیت خدای تعالی است ، می فرماید: ای انسان چه چیزی تو را نسبت به پروردگار کریمت که این همه نعمات به تو ارزانی کرده ، مغرور کرده ؟ یعنی کفران تو هیچ عذر و بهانه ای ندارد(۴۲)، آنگاه به شرح موارد تدبیر الهی می پردازد و می فرماید: آن پروردگاری که انسان را با همه اجزای وجودش خلق کرد و سپس به تسویه او پرداخت و هر عضو را درجای مناسبش قرار داد و قوای بدن او را متعادل نمود و آنها را با هم هماهنگ کرد و او را به هر

شکلی که خواست ترکیب نمود و همه آنها به مقتضای حکمت بود، بنابراین خلقت مرد یا زن ، سفید یا سیاه ، چاق یا لاغر و قوی یا ضعیف ، همه اینها به مقتضای حکمت و مصلحت است و خداوند انسان را به بهترین صورت و نظام آفریده است (۴۳)، پس چه عذر و بهانه ای برای کفران نعمات او وجود دارد؟

(۹) (کلاب تکذوبون بالدین): (نه ، بلکه شما روز جزا را تکذیب می کنید)

(۱۰) (و ان علیکم لحافظین): (و بدرستی که بر شما نگهبانانی گماشته)

(۱۱) (کراما کاتبین): (که نویسندگان ارجمند هستند)

(۱۲) (یعلمون ما تفعلون): (و هر چه بکنید، می دانند) یعنی ای انسانهای منکر قیامت به کرم خدا مغرور نشوید و آن را بهانه کفر و معصیت خود نسازید، چون این غرور سودی به حال شما ندارد، بلکه اساسا علت واقعی کفر و معصیت شما غرور نیست ، این انکار قیامت و تکذیب روز جزاست که شما را مغرور و فریفته کرده که با این جرأت و جسارت مرتکب کفر و معصیت می شوید، در حالیکه به تحقیق خداوند از ناحیه خود حافظانی را موکل بر شما نموده که اعمال شما را با نوشتن ثبت و ضبط می کنند، حافظانی که دارای کرامت و عزتی در نزد خدای تعالی هستند و اراده نمی کنند، جز آنچه را که خدا اراده کرده و آنان به تمام اعمالی که مرتکب می شوید، علم دارند، بنابراین در تشخیص نیک و بد اعمال شما مرتکب اشتباه و خطانمی گردد و حتی دانای به نیات شما هستند.

(۱۳) (ان الابرار لفی نعیم): (بدرستی که نیکان در نعیمند)

(۱۴) (و ان الفجار لفی جحیم): (و بدکاران در

(۱۵) (یصلونها یوم الدین): (روز جزا وارد آن شوند)

(۱۶) (و ما هم عنها بغائین): (و از آن غائب نگردند) (ابرار) یعنی نیکوکاران، (فجار) یعنی گنه کاران پرده در یا کفار هتاک، می خواهد بفرماید: در نتیجه ثبت و ضبط دقیق اعمال شما در روز جزا، نیکان از بدکاران مجزا و متمایز هستند، نیکان در بهشت پر نعمت واقع می شوند و بدکاران کافر در آتش دوزخ وارد می گردند، و اینکه جحیم و نعیم را به صورت نکره آورده برای دلالت بر عظمت و توصیف ناپذیری آنهاست، و در ادامه می فرماید: در روز جزا آنها حرارت دوزخ رامی چشند و تا ابد ملازم آن هستند و هرگز از آن جدا نمی شوند، و اهل دوزخ هرگز نمی توانند از آن غایب گردند و قدرت بیرون آمدن از آن را ندارند.

(۱۷) (و ما ادریک ما یوم الدین): (و تو چه می دانی که روز جزا چیست؟)

(۱۸) (ثم ما ادریک ما یوم الدین): (و باز چه می دانی که روز جزا چیست؟)

(۱۹) (یوم لا تملک نفس لنفس شیئا و الامر یومئذ لله): (روزیست که کسی درباره کسی اختیاری ندارد و فرمان در آن روز مختص خداست) در مقام هول انگیزی و توصیف عظمت روز قیامت با تأکید مجدد می فرماید: تونمی توانی به حقیقت روز جزا احاطه پیدا کنی و اصولاً- عظمت آن غیر قابل توصیف است و آن، روزیست که همه روابط و تأثیر و تأثرات بین اسباب عالم منقطع می شود و هیچ سببی نمی تواند مؤثر واقع گردد و در آن روز مالک امر و فرمان فقط و فقط خدای سبحان است، همچنانکه در

دنیا نیز همینطور بود، اما در آن روز این حقیقت کاملاً آشکار است (۴۴)، همچنانکه می فرماید: (و لو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوه لله جمیعاً) (۴۵) و اگر ستمگران وضع خود را در روز قیامت وقتی که عذاب می دیدند، مشاهده می کردند، می فهمیدند که هر چه نیرو و قدرت است مختص خداست).

تفسیر نور

«انفطار» به معنای شکافته شدن است، «فطر» و «افطار» نیز به همین معناست، زیرا روزه با غذا خوردن می شکافد. «انفطار» و «انشقاق» به یک معناست، لکن در انفطار بعد از شکافتن به چیزی می رسیم، بر خلاف انشقاق، چنانکه عرب در حفر قنات می گوید: «فطرتُ» چون بعد از

کافتن زمین، به آب می رسد.

«انتثار» به معنای پراکندگی است و به چیزی که بر سر عروس می ریزند، نثار گویند.

«فجر» به معنای بروز شکاف و باز شدن راه است و «تفجیر»، بیانگر عظمت و شدت شکافته شدن کوههاست.

در کلمه «بُعثر» هم معنای «بعث» (به پا خواستن) است و هم معنای «ثور» (دگرگون شدن)، لذا راغب در مفردات گفته است که بعید نیست فعل «بُعثر» مرکب از این دو فعل باشد، یعنی زیر و رو شدن خاک ها و برپاخاستن مردگان.

پیوند میان آسمان و زمین و دریا و خشکی به گونه ای است که هر گاه نظام یکی از آنها به هم بخورد، نظام همه چیز به هم می خورد.

۱- نظام حاکم بر آسمان و زمین به دست خداست و هر گاه او بخواهد تغییر می کند. <<اذا السماء انفطرت>>

۲- معاد جسمانی است و مردگان از قبر برمی خیزند. <<اذا القبور بعثرت>>

۳- به هم ریختن نظام هستی، مقدمه رستاخیز و رستاخیز، برای حساب و کتاب و جزای اعمال انسان هاست. <<علمت نفس ما قدمت...>>

در قیامت ظرفیت انسان توسعه می یابد و همه کارهای گذشته را به یاد می آورد. <<علمت نفس ما قَدِّمت>>

۵- انسان، هم باید به فکر گذشته خود باشد، تا اگر خلافی کرده توبه کند و هم به فکر پس از مرگ خود باشد تا یادگار خوبی از خود بجای گذارد. <<ما قَدِّمت و اُخرت>>

۶- در قیامت، انسان هم به آنچه عمل کرده آگاه می شود و هم به آثار خوب یا بد اعمال خود. <<ما قَدِّمت و اُخرت>>

۷- در قیامت، انسان به کارهایی که می توانسته بکند و به تأخیر انداخته و انجام نداده پی می برد. <<علمت... ما اُخرت>>

«سَوَاك» به معنای استواری و استقامت و دوری از اعوجاج است، و «عدلک» بیانگر تعادل و توازن میان اعضا و جوارح انسان است.

به عمل خود تکیه کنید نه بر کرم خداوند، انبیا از کرم خدا آگاه بودند اما اهل عمل بودند.

خداوند کریم است: <<رَبِّکَ الْکَرِیْمِ>> فرشتگان مأمور او کریم اند: <<کَرَاماً کَاتِبِیْنَ>> رسولان او کریم اند: <<رَسُولِ کَرِیْمٍ>> <<۷۵۲>> کتاب او کریم است: <<اِنَّهٗ لَقُرْآنٌ کَرِیْمٌ>> <<۷۵۳>> و پاداش او کریمانه است. <<اَجْرِ کَرِیْمٍ>> <<۷۵۴>>

خداوند کریم است؛ هم گناهان را می بخشد، هم عیب ها را می پوشاند و هم پاداش را چند برابر می دهد.

۱- انسان، موجودی غافل و مغرور است و خود را از عواقب کار و قهر خدا در امان می پندارد. <<یا ایُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّکَ بِرَبِّکَ>>

۲- چرا انسان با آن همه نیاز و ضعف، مغرور باشد؟ <<یا ایُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّکَ>>

۳- بدترین نوع کبر و غرور، آن است که در برابر پروردگار کریم و هستی بخش باشد. <<غَرَّکَ بِرَبِّکَ الْکَرِیْمِ الْذِیْ خَلَقَکَ>>

۴- غرور و غفلت انسان، سوء استفاده از لطف و کرم و پرده پوشی خداست. <<ما>>

غَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ <<

۵- لطف و کرم خدا تنها نسبت به مؤمنین نیست، بلکه نسبت به همه انسان هاست. <<یا ایها الانسان... برَبِّكَ الْكَرِيمِ >>

۶- غرور انسان، بیانگر غفلت او از نعمت های الهی و عظمت آفریدگار است. <<ما غَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ >>

۷- درمان غرور، توجّه به الطاف کریمانه است. <<الْكَرِيمِ... خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ >>

۸- آفرینش، نشانه قدرت، <<خَلَقَكَ >> تسویه، نشانه حکمت، <<سَوَّاكَ >> و اعتدال، دلیل علم او به تمام نیازهاست. <<عَدَلَكَ >>

۹- آفرینش انسان و هماهنگی و تعادل میان اعضای او، جلوه ای از کرم خداوند است. <<الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ >>

۱۰- تنوع شکل و قیافه انسان ها، براساس خواستِ حکیمانه خداوند است. <<فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ >>

۱۱- برای شکستن غرور، باید نعمت های الهی را پی در پی گوشزد کرد. <<خَلَقَكَ، سَوَّاكَ، عَدَلَكَ، رَكَّبَكَ >>

۱۲- آنکه در دنیا تو را آفرید، در آخرت نیز تو را خلق می کند، پس تکذیب چرا؟ <<كَلَّا بَلْ تَكْذِبُونَ بِالْدِينِ >>

۱۳- کسی که به دنیا مغرور شود، آخرت را انکار می کند. <<غَزَّكَ - تَكْذِبُونَ >>

۱۴- گرچه شما قیامت را منکر می شوید، ولی فرشتگان کار خود را انجام می دهند. <<تَكْذِبُونَ... اِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ >>

۱۵- فرشتگان متعدّد، مسئول حفظ و حراست از انسان ها هستند. <<لِحَافِظِينَ >>

۱۶- فرشتگان، مسئول ثبت و ضبط کارهای انسانند. <<كِرَامًا كَاتِبِينَ >>

۱۷- فرشتگان مراقب، در ثبت اعمال برخورداردی کریمانه دارند. <<كِرَامًا كَاتِبِينَ >>

۱۸- فرشتگان هم متعدّدند، هم تیزبین و هم ریزبین. <<يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ >>

۱۹- توجّه به ثبت اعمال توسط فرشتگان معصوم، سبب حیا و تقوای انسان می شود. <<يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ >>

«أَبْرَارٍ» جمع «بَارٌّ» به معنای نیکوکار و «نَعِيمٍ» به معنای پر نعمت است.

«فُجَّارٍ» جمع «فَاجِرٌ» به معنای شکافتن است، یعنی کسانی که پرده دری می کنند و هتّاك هستند.

«صَلَى» ورود در قهر و عذاب است. <<يَصْلُونَهَا >>

یوم الدین << همان گونه که «صَلُّو» ورود در رحمت و لطف است. >> <<هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ >> <<۷۵۵>>

در قیامت، همه امور به دست خداست و این به معنای نفی شفاعت نیست، چون شفاعت نیز از اموری است که خداوند فرمان داده است. <<۷۵۶>>

۱- در تربیت و تبلیغ، سرنوشت خوبان و بدان را مقایسه کنید. <<انَّ الْاَبْرارَ لَفِي نَعِيمٍ - انَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ >>

۲- حتّی پیامبر، به بسیاری از امور قیامت آگاه نیست. <<و ما ادراک ما یوم الدین >>

۳- مسائل قیامت را با عقل عادی نمی توان درک کرد، بلکه باید از طریق وحی پذیریم. <<ما ادراک ما یوم الدین >>

۴- مطالب مهم را باید تکرار کرد. <<ما ادراک - ثمّ ما ادراک >>

۵- پیدایش قیامت برای جزا و کیفر عملکرد دنیوی ماست. <<یوم الدّین >>

۶- مجرمان برای همیشه در دوزخند. <<ما هم عنها بغائبین >>

۷- قیامت روز سلب مالکیت و اختیار از همه انسان هاست. <<یوم لا تملک نفس لنفس شیئاً >>

۸- قیامت، تجلّی حاکمیت مطلقه خداوند است. <<والامر یومئذ لله >>

«والحمد لله ربّ العالمین»

تفسیر انگلیسی

Like the ۱ to ۱۳ verses of Takwir the signs which will appear before the day of resurrection are mentioned in these verses. The heavens will cleave asunder, the stars will be scattered, the oceans will overwhelm the whole globe, and the graves will throw out the buried bodies. The physical world as we see it will be destroyed and after the final judgement a new eternal realm of spiritual existence will begin. See commentary of Takwir: ۱ to ۱۳.

Aqa Mahdi Puya says

According to the Ahl ul Bayt the physical universe will disintegrate. A dimensional thing is not

eternal. There was a time when no dimensional being was in existence. When a dimensional existence is created, it completes its development and then disappears. Man does not know how many systems like the solar system) have completed their terms, and how many are in the process of development, and how many will come .into being in the future

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

(see commentary for verse ۱)

Every soul will be fully aware of what "its hands had sent forth". This verse refers to the deeds of commission and omission in this life- "the good or the evil he did" is that which he has sent forth, and "the consequences of his good and bad deeds which ensue to influence the human society after he departs" is that which he leaves behind. It may also refer to that which he earned for his spiritual life of the hereafter and the physical things, he prided in this life, which he left behind. If man does good he not only earns the eternal life of bliss in the hereafter as a reward but also leaves behind an example for his family and people among whom he lived and the posterity in general; and during his lifetime educates, disciplines and guides those who are .associated with him to the path of Allah

The divine attributes of forgiveness, generosity and beneficence which the words rabbikal karim (see commentary of Fatihah: ۳) carry are alluded to by the accursed .Shaytan to instigate man to sin

An indirect guidance may

be inferred from this verse that man should not sin under the belief that the great charitable disposition of his Lord would protect him from the just punishment

Once a slave of Ali ibn abi Talib did not pay attention to his repeated calls and when questioned replied: "I relied upon your forbearance and charitable disposition. I know you will not punish me for my evasion of duty." Ali set him free

Allah not only created man, but gave him a perfectly organised organism together with intellectual and spiritual faculties and a free will. Refer to the commentary of Anam: ٢. The bounties of Allah should make man grateful which he can manifest by using his faculties to choose the right path and follow it all his life, but he turns away from the right path and denies the day of judgement

(see commentary for verse ٩)

(see commentary for verse ٩)

(see commentary for verse ٩)

.Refer to the commentary of Qaf: ١٨

(see commentary for verse ١٠)

(see commentary for verse ١٠)

(no commentary available for this verse)

(no commentary available for this verse)

(no commentary available for this verse)

(no commentary available for this verse)

Refer to the commentary of Baqarah: ٤٨; Anam: ١٤٥; Bani Israil: ١٥; Zumar: ٧ and ٣٨. No soul shall have power to do anything for another. Personal responsibility will be fully enforced. Authority belongs to Allah. He will allow whom He pleases to intercede on behalf of any one the authorised intercessor finds suitable. See commentary of

.Baqarah: ٤٨ and ٢٥٥ and the references mentioned therein for intercession

Aqa Mahdi Puya

:says

:Imam Muhammad bin Ali al Baqir said

The command on that day (day of judgement) and today is Allahs, but on that day the"
".subordinate authorities (at a certain stage) will not be visible

The manifestation of Allahs absolute authority is like the sun, when it shines all the
.stars disappear, though they are there, deriving the light from the sun

(see commentary for verse ۱۷)

(see commentary for verse ۱۷)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹